

بررسی و مقایسه مؤلفه‌های تمدنی میان چهار کشور جمهوری اسلامی ایران، عربستان، ترکیه، مالزی

فرزاد جهان‌بین*

استادیار دانشگاه شاهد

فرشته میرحسینی

دانشجوی دکتری دانشگاه شاهد

چکیده

بر اساس نظریات روابط بین‌الملل، نظام بین‌المللی آینده، نظام «چندقطبی چندتمدنی» است. سابقه درخشان تمدن اسلامی نشان‌گر این امر است که این تمدن یکی از مهم‌ترین رقبای تمدن غربی است. در حال حاضر در میدان جهان اسلام کشورهای جمهوری اسلامی ایران، عربستان، مالزی و ترکیه، بیش از دیگران به نظریه‌پردازی در راستای محوریت تمدنی پرداخته‌اند. در جمهوری اسلامی ایران، مقام معظم رهبری، آیت‌الله خامنه‌ای، موضوع «تمدن نوین اسلامی» را مطرح کردند. هم‌زمان با این مسئله شاهد شکل‌گیری بحث «نوع‌ثمنی‌گری» در ترکیه، «اسلام حضاری» در مالزی و تکاپوی «اسلام وهابی» عربستان برای محوریت در جهان اسلام هستیم. هر یک از این کشورها تلاش دارند با طرح بحث اسلام تمدنی در میدان جهان اسلام خود را بهترین الگو معرفی کنند. سؤال اصلی مقاله این است که کدام یک از این چهار کشور در میدان (مرز) جهان اسلام از ظرفیت‌ها و مؤلفه‌های تمدن‌ساز بیشتری برای محوریت (مهد) در جهان اسلام برخوردار است؟ استخراج مؤلفه‌های تمدن‌ساز، نقاط ضعف و قوت و فرصت‌ها و تهدیدهای این چهار کشور برای محوریت الگوی اسلام تمدنی را نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌های تحقیق جمهوری اسلامی ایران از ظرفیت‌های بیشتری در مقایسه با سایر کشورها برای تبدیل شدن به محوریت تمدنی در میدان جهان اسلام برخوردار است.

واژگان کلیدی: اسلام تمدنی، جهان اسلام، نظام بین‌الملل چندقطبی.

۱- مقدمه

با فروپاشی نظام بین‌المللی دوقطبی، ایالات متحده آمریکا، نظریه «نظم نوین جهانی» را مطرح کرد. مجموعه تحولات داخلی و بین‌المللی از جمله بیداری اسلامی در کشورهای عربی، ادعای نظام تک‌قطبی به رهبری آمریکا را زیر سؤال برد و نشان داد که جهان در حال حاضر به سمت چندقطبی شدن پیش می‌رود. در جهان چندقطبی، روند رقابت و چالش دیگر تمدن‌ها با تمدن غرب، جدی و فزاینده بوده و به سمت قدرت‌گیری تمدن‌های رقیب پیش می‌رود. تمدن‌های اسلامی و غربی مهم‌ترین حوزه‌های تمدنی رقیب در دوره جدید خواهند بود؛ بنابراین، جهان اسلام یکی از قطب‌های مهم و تأثیرگذار نظام بین‌المللی چندقطبی آینده است. اکنون در میدان جهان اسلام کشورهای جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، مالزی و ترکیه، با توجه به ظرفیت‌های تاریخی، فرهنگی، تمدنی و امکانات مادی و معنوی، بیش از دیگران از توان تبدیل شدن به محوریت تمدنی برخوردار هستند. در این مقاله به بررسی و مقایسه شاخصه‌های تمدنی در چهار کشور فوق‌الذکر می‌پردازیم.

استخراج مؤلفه‌های تمدن‌ساز، نقاط ضعف و قوت و فرصت‌ها و تهدیدهای این چهار کشور برای محوریت الگوی اسلام تمدنی را نشان می‌دهد. تجزیه و تحلیل این شاخصه‌ها گامی در راستای تأیید این فرضیه است که در میدان جهان اسلام جمهوری اسلامی ایران بیش از سایر کشورها از مؤلفه‌های تمدن‌ساز، میراث فرهنگی - تمدنی و غیریت‌سازی در مقابل تمدن غربی برای تبدیل شدن به محوریت (مهد) برخوردار است. روش تحقیق مقاله توصیفی - تحلیلی است. برای کسب داده‌های پژوهش به کتاب‌ها و مقاله‌های فارسی و انگلیسی و سایت‌های مربوط به سازمان‌های مهم بین‌المللی مراجعه کردیم تا داده‌های مورد نیاز بر اساس جدیدترین آمارها تهیه شود. سپس به تجزیه و تحلیل داده‌ها در قالب تنظیم جداول پرداختیم تا شمای کلی از وضعیت کشورها در هریک از مؤلفه‌های تمدنی مشخص شود. لازم به ذکر است، تاکنون مقاله پژوهشی مستقلی در مورد مقایسه مؤلفه‌های تمدنی در مورد چهار کشور جمهوری اسلامی ایران، ترکیه، عربستان و مالزی منتشر نشده است. اکثر پژوهش‌ها به بررسی و مقایسه چند شاخص محدود بین یک یا دو تا از این کشورها پرداخته‌اند. گرچه در مورد ترکیه، ایران و تا حد کمتری عربستان، توسط پژوهشگران داخلی مطالبی نوشته شده است، اما به کشور مالزی توجه کمتری معطوف شده است. امید است این پژوهش بتواند بخشی از خلأ علمی در این زمینه را پرکرده، گامی هرچند کوچک در راستای تحقق «تمدن نوین اسلامی» بردارد.

۲- مبانی نظری و مفهومی پژوهش

۲-۱- تمدن

امروزه برای دستیابی به کمال مادی و معنوی در جامعه انسانی نگرش تمدن‌محور ضروری است، زیرا نگرش تمدنی از یکسو نگرشی جامع است یعنی تحولات اجتماعی در مقیاس کلان و در نسبت با دیگر حوزه‌ها مورد مطالعه قرار گرفته و از تحقیق تک عاملی پرهیز می‌شود. همچنین نگرش تمدنی نگرشی است که کارآمدی نظام‌های اندیشه‌ای از آن رهگذر رخ می‌دهد؛ بنابراین، بدون تمدن، سخن از فکر و فرهنگ ناپجاست. در نگاه تمدنی است که راه برای نهادینه کردن اجتماعی یک فکر در گستره‌ای وسیع ممکن خواهد بود. تمدن از واژه لاتینی Civitas معادل کلمه Poleis یونانی قدیم است. یونانیان باستان با استفاده از کلمه تمدن (Civilization) نشان می‌دادند که شهر را مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانند که سازنده شکل برتری از زندگی است. فوکوتساوا یوکیچی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان تمدن دو تعریف از تمدن ارائه می‌دهد:

در تعریف اول، او تمدن را به منزله امری محدود معرفی می‌کند: یعنی افزایش دادن آنچه انسان مصرف می‌کند؛ یعنی افزایش صورت مادی تمدن. در تعریف دوم تمدن به معنای گسترده معرفی می‌شود که در کنار رفاه در زمینه ضرورت‌های روزانه به پالایش معرفت و پرورش فضیلت به نحوی که زندگی بشری را به مرتبه بالاتری بکشاند نیز توجه می‌شود؛ یعنی او برای تمدن دو سطح قائل است: یک سطح مادی و دیگری سطح معنوی است که به مثابه زیربنای تحقق تمدن در نظر گرفته می‌شود و مانند موتور محرکه تمدن عمل می‌کند و بر اساس نیازهای موجود به صورت‌های مادی تمدن شکل می‌دهد. (یوکیچی، ۱۳۷۹: ۱۱۹) داوری اردکانی تمدن را «سیر و بسط یک نحو تفکر و ظهور آثار تفکر در مناسبات افراد، اقوام و در رفتار و کردار، علوم و فنون به هم پیوسته، لاینفک و برخوردار از یک اصل و ریشه می‌داند». ساموئل هانتینگتون تمدن را «بالاترین گروه‌بندی فرهنگی و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی» به شمار می‌آورد. هنری لوکاس تمدن را «پدیده‌ای به هم تنیده می‌داند که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را در بر می‌گیرد». از سوی دیگر توین‌بی معتقد است: «تمدن حاصل نبوغ اقلیت مبتکر و نوآور است، یعنی طبقه ممتازی در جامعه که واجد نبوغ، ابتکار و نوآوری است و سیر تکامل جامعه، تمدن را پدیدار می‌کند.» از نظر ویل دورانت «تمدن عبارت است از خلاقیت فرهنگی که خود در نتیجه وجود نظم اجتماعی و حکومت قانون و رفاه نسبی امکان وجود می‌یابد.» (جهان‌بین و معینی‌پور، ۱۳۹۳: ۳۲) به گفته امانوئل والراشتاین «تمدن تسلسل ویژه‌ای است از جهان‌بینی، آداب و رسوم، ساخت‌ها و فرهنگ که نوعی از تمامیت تاریخی را شکل می‌دهد و با گونه‌هایی دیگر از این پدیده همزیستی دارد.» الوین تافلر «تمدن را شیوه‌ای از زندگی

می‌داند که با نظامی ویژه برای تولید ثروت همراه است؛ کشاورزی، صنعت و اکنون دانش.» به اعتقاد ابن خلدون، «تمدن حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی است، تمدن خروج از مرحله بادیه‌نشینی و گام نهادن در شاهراه نهادینه شدن امور اجتماعی است که در بستر عمران تحقق پیدا می‌کند». داریوش آشوری تمدن را «نظام‌های بزرگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که از نظر جغرافیایی واحد کلانی را در یک قلمرو پهناور در بر می‌گیرد» تعریف می‌کند. (حسینی، ۱۳۹۳: ۳۱-۳۰) دکتر شریعتی نیز در تعریف تمدن می‌گوید: «تمدن به معنای کلی عبارت است از مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های مادی و معنوی جامعه انسانی.» (شریعتی، ۱۳۶۸: ۸)

بنابراین، به دلیل پیچیده بودن مفهوم تمدن تعاریف متعددی از آن صورت گرفته و نظریه پردازان مختلف مبتنی بر نوع دیدگاه خود مؤلفه‌های مختلفی برای تمدن‌سازی برشمرده‌اند. ویل دورانت در بحث مؤلفه‌های تمدن‌ساز از عواملی چون احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی، کوشش در راه معرفت و بسط هنر، شرایط جغرافیایی، عوامل روانی، وحدت زبانی و قانون اخلاقی نام برده است. غسان العزی در بحث از شاخص‌های تمدنی ۷ مؤلفه اقتصادی، فناوری، پولی، نظامی، جغرافیایی، فرهنگی و دیپلماتیک را برای ابرقدرت شدن مطرح می‌کند. سیدحسین حسینی نیز مهم‌ترین مؤلفه‌های تمدن‌سازی را ۸ عامل: ۱. سیطره فراملی؛ ۲. اراده جمعی و انسانی؛ ۳. دارا بودن مهد، جامعه و سرزمین؛ ۴. نداشتن انحصار به مرزهای جغرافیایی؛ ۵. شمولیت در روابط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی؛ ۶. قدرت نفوذ، جریان‌سازی اجتماعی و برتری طلبی؛ ۷. تعالی جویی و آرمان‌خواهی فراگیر و ۸. تأثیر در تحولات تاریخی، می‌داند. (حسینی، ۱۳۹۳: ۳۷) با توجه به اینکه مجموعه‌ای از عوامل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری زمینه‌ساز دستیابی کشورها به الگوی تمدنی است؛ بنابراین، ما در این پژوهش به گزینش مؤلفه‌های مشترک میان نظریات مختلف پرداختیم و درنهایت نه مؤلفه تمدنی را استخراج کردیم که عبارت‌اند از: ۱. ایدئولوژی؛ ۲. عوامل جغرافیایی؛ ۳. عوامل انسانی؛ ۴. عوامل فرهنگی؛ ۵. عوامل سیاسی؛ ۶. عوامل اقتصادی؛ ۷. عوامل نظامی؛ ۸. سیاست خارجی و ۹. علم و فناوری. بدیهی است هر کشور اسلامی که با درجه بالاتری این مؤلفه‌ها را در درون خود تقویت کند از امکان بیشتری برای محوریت تمدنی در جهان اسلام برخوردار است.

۳- بررسی مؤلفه‌های نه‌گانه تمدن سازی

۳-۱- ایدئولوژی

نخستین پایه شکل‌گیری تمدن، وجود «ایدئولوژی» است. با توجه به اینکه کشورهای اسلامی مورد بررسی دارای ایدئولوژی مشترک اسلامی هستند در اینجا تنها به بررسی تفاوت نوع نگاه و برداشت آن‌ها از اسلام می‌پردازیم:

۱-۳-۱- ایدئولوژی اسلام سیاسی ولایت‌مدار ایران

ماهیت ایدئولوژیک انقلاب اسلامی ایران منجر به شکل‌گیری جبهه‌ای از ائتلاف‌های جهانی به رهبری آمریکا علیه آن شده است، زیرا این انقلاب تحولی بنیادین در معیارهای اسلامی - سیاسی در منطقه و جهان با خود به همراه آورد. نشان مرکزی گفتمان ایدئولوژیک امام خمینی استکبارستیزی و استضعاف‌زدایی است. از دیگر نشانگان ایدئولوژیک نیز می‌توان از انگاره‌های نه شرقی نه غربی، صدور انقلاب، اسلام سیاسی اسلام ناب محمدی، امت واحده اسلامی، سیاست نگاه به شرق، مرکزگی میان دارالاسلام و دارالکفر، دگرسازی با غرب به‌ویژه آمریکا، مسئله فلسطین و غیریت‌سازی با اسرائیل، معنویت‌گرایی و باور به نصرت الهی، عدالت‌خواهی، ستم‌ستیزی، پشتیبانی از جنبش‌های اسلامی و آزادی‌بخش، عزت‌مداری و ... نام برد. (اسدی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۴)

۲-۳-۱- ایدئولوژی اسلام محافظه‌کار و وهابی عربستان

عربیت، وهابیت، نظام سلطنتی و نفت مهم‌ترین مؤلفه‌های هویتی عربستان است. ترکیب ایدئولوژی وهابی و قدرت قبیله‌ای در عربستان، باعث تقویت گرایش محافظه‌کارانه‌ای از اسلام شد؛ وهابیت، برگرفته از آموزه‌های محمدبن عبدالوهاب (قرن ۱۸)، است که مردم را به پیوستن به تفسیر لفظی سخت‌گیرانه و محدود از یکتاپرستی و مبارزه با شرک وادار کرد. در اندیشه سلفیون روش‌های عقلی جایگاهی ندارد و فقط نصوص قرآن، احادیث و ادله مفهوم از نص قرآن حجت است. سلفیه انحصارطلبانه مدعی مسلمانی است و همه را جز خود کافر می‌داند و با احیای روح خشونت و تعصب راه حقیقت‌یابی و روشنگری را می‌بندد. شعار وهابیت این است: «یا داخل گروه شو یا کشته شو.» از دیگر باورهای آیین وهابیت خصومت با شیعیان است. آن‌ها شیعیان را بدعت‌گر، رافضی و کافر تلقی می‌کنند و ریختن خونشان را مباح می‌دانند. (منصوری مقدم، ۱۳۹۱: ۹۰-

۱-۳-۳- ایدئولوژی اسلام میانه‌رو ترکیه و نوع‌ثمنی‌گری

از زمان آتاتورک ترکیه تلاش کرد تا الگوی توسعه غربی را محقق سازد. در طول این سال‌ها ترکیه در راستای استانداردسازی برای پیوستن به اتحادیه اروپا بسیار تلاش کرد. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه بهره‌برداری از ترکیبی از مدرنیسم و سنت، سکولاریسم و اسلام‌گرایی و هویت دوگانه شرقی و غربی مورد توجه قرار گرفت. به گفته اردوغان ترکیه جدید «منبعی الهام‌بخش برای کسانی است که معتقد به همزیستی اسلام و دموکراسی‌اند.» (واعظی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۳۲) رهبران حزب عدالت و توسعه در بسیاری از سخنرانی‌های خود از «استعاره پل» برای تشریح جنبه‌های ایدئولوژیکی خود به‌عنوان پلی میان شرق و غرب استفاده می‌کنند. (جمشیدی و گل‌محمدی، ۱۳۹۴: ۱۵۹) امروزه مردم ترکیه خود را «مسلمان ترک مدرن» می‌دانند. برخلاف دوره آتاتورک که خود را «ترک مدرن» می‌دانستند. ویژگی‌های ایدئولوژی اسلامی ترکیه عبارت‌اند از: ۱. اسلامی سکولار که در آن بسیاری از ارزش‌ها و باورهای غرب پذیرفته شده و فرد در عین مسلمان بودن از آزادی‌های رایج در غرب برخوردار است. در این الگو بیش از آنکه قوانین اسلام بر روش حکومتی جاری باشد، ارزش‌های غرب جاری است؛ ۲. اسلامی سازش‌کار و منفعت‌طلب که اهل مبارزه با استکبار نیست، گرچه در ظاهر گاهی با برخی از اقدامات غرب و صهیونیست مخالف باشد، اما این مخالفت‌ها بیشتر برای بهره‌برداری سیاسی دولتمردان ترک است؛ ۳. اسلامی که متضاد با آرمان‌گرایی اسلامی، مصححت‌اندیش و متأثر از دیدگاهی ماکیاولیستی است.

۱-۳-۴- ایدئولوژی اسلام توسعه‌گرای مالزی

مالزی در دهه‌های اخیر برنامه‌های توسعه‌گرایانه موفق به اجرا گذاشته است. عبدالله احمد بدایوی با پیروی از برنامه نخست‌وزیران پیشین برای ایجاد «یک جامعه مالزیایی متمدن و باشکوه» طرحی با عنوان «اسلام تمدنی» را تدوین کرد. اسلام حضاری مبتنی بر عناصری از اسلام است که می‌تواند افراد را متمدن سازد. (اسلام حضاری در صدد است تا میان مسلمانان و غیرمسلمانان هماهنگی لازم بر ای ایجاد یک جامعه پیشرفته را ایجاد کند.) (Al aidrus, 2009: 3) کمال حسن نویسنده مالزیایی بر اساس این رویکرد ابراز می‌دارد که برای بقا در دنیای کنونی دو اقدام اساسی باید دنبال شود: ۱. دستیابی به برتری در شاخه‌های دانش روز و دستیابی به ویژگی‌های جوامع مترقی؛ ۲. تغییر تصویر اسلام به‌عنوان دین نامتمدن و نامتحرک که توسط غرب معرفی شده است. وی در ادامه برای رسیدن به این هدف پیروی از سه آموزه قرآن را توصیه می‌کند. مفهوم کار به‌عنوان نوعی عبادت، نقش انسان به‌عنوان خلیفه خدا در توسعه جهان، قوی بودن در تمامی

جنبه‌های زندگی. آن‌ها معتقدند اسلام زمان پیامبر برای تمام مشکلات دنیای مدرن امروز راه‌حل دارد. اصول ده‌گانه اسلام حضاری عبارت‌اند از: ۱. ایمان به خدا و رعایت تقوای الهی؛ ۲. حکومت عادل و امین؛ ۳. مردم آزاد و مستقل؛ ۴. تحقیق مجدانه و تسلط بر علوم؛ ۵. توسعه اقتصادی متعادل و فراگیر؛ ۶. کیفیت مناسب زندگی؛ ۷. حفظ حقوق اقلیت‌ها و زنان؛ ۸. یکپارچگی فرهنگی و اخلاقی؛ ۹. حفاظت از منابع طبیعی و محیط‌زیست؛ ۱۰. قابلیت دفاعی مستحکم. (نوروزی فیروز و خاتمی‌نیا، ۱۳۹۲: ۶۲)

در پایان این بخش می‌توان چنین نتیجه گرفت که مهم‌ترین محدودیت عربستان برای الگوی تمدنی شدن، ایدئولوژی و هابیی است که اجازه نمی‌دهد عربستان واقعیت‌های جهان متحول کنونی را به درستی درک و الگوی حکومتی خود را برای نسل‌های جوان‌تر جذاب سازد. این محدودیت حتی در داخل عربستان ساخت قدرت ایدئولوژیک این کشور را به چالش کشانده است. الگوهای اسلامی مدنظر ترکیه و مالزی نیز سازشکارانه و تلفیقی از الگوهای اسلامی و غربی است که با حمایت کشورهای غربی و تبلیغات آن‌ها در صدد جایگزینی با الگوی انقلابی و استکبارستیز جمهوری اسلامی ایران است. ایدئولوژی اسلامی این سه کشور طرد کامل جهان غرب را نمی‌پذیرد. این کشورها در الگوهای تمدنی خود از مبانی ناب اسلامی برخوردار نیستند؛ بدیهی است که اندیشه‌های التقاطی برای تمدن‌سازی اسلامی کارآمد نیستند. در زمینه ایدئولوژی می‌توان گفت ایران شیعی بیش از اسلام اهل سنت، از توانایی آفرینش تمدن اسلامی برخوردار است، زیرا برخی توانمندی‌های تشیع، برتری آشکاری نسبت به دیگر فرقه‌های اسلامی دارد؛ وجود اندیشه تمدنی در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی مبتنی بر اجتهاد شیعی، غیرت‌سازی با تمدن‌های مادی شرق و غرب، فرهنگ عاشورا، تاریخ طولانی ایران شیعی، آینده‌نگری مبتنی بر فرهنگ مهدویت و ترسیم راهبردهای حرکت تمدنی، رهبری و کارویژه خاص ایشان در مهندسی تمدنی؛ ظرفیت‌های ایدئولوژی شیعه انقلابی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی است.

۲-۳- عوامل جغرافیایی - سرزمینی

بخشی از عوامل قدرت، جغرافیای هر کشور است. خصائص جغرافیایی نقشی بنیادین در شکل‌گیری سایر عناصر قدرت نظیر قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی بازی می‌کند. صاحب‌نظرانی که به بررسی مبادی قدرت ملی پرداخته‌اند از جغرافیا به‌عنوان یکی از بسترهای اصلی قدرت یاد کرده‌اند. حتی برخی جغرافیا را اصلی‌ترین عامل قدرت ملی تلقی کرده‌اند. (کامران و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۰)

۲-۳-۱- مساحت

یکی از مؤلفه‌های مهم در بررسی قدرت کشورها مساحت است. مساحت دارای تأثیراتی بر موقعیت، راهبرد، میزان و تنوع منابع است.

جدول ۱. میزان و رتبه جهانی وسعت کشورها

کشور	وسعت	رتبه جهانی
عربستان	۲,۱۴۹,۶۹۰	۱۴
ایران	۱,۶۴۸,۱۹۵	۱۹
ترکیه	۷۸۳,۵۶۲	۳۸
مالزی	۳۲۹,۸۴۷	۶۷

<http://www.scimagojr.com/countryrank>

۲-۳-۲- ویژگی‌های جغرافیایی

ایران

موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران به اندازه‌ای برجسته است که اکثر نظریه‌پردازان در خصوص آن اتفاق نظر دارند. واقع شدن در چهارراه ارتباطی بین شرق مدیترانه، آسیای مرکزی و قفقاز، جنوب شرق آسیا و خاور دور، تسلط بر خلیج فارس و تنگه هرمز و شاهراه ارتباطی بین کشورهای محصور در خشکی منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، ایران را به یکی از نقاط مهم جهان تبدیل کرده است. نظریه‌پردازان معروف در اندیشه‌های خود موقعیت ایران را مطرح کرده‌اند؛ مکیندر، ایران را به دو بخش تقسیم می‌کند. از ارتفاعات البرز به سمت شمال را جزء هارتلند یا قلب زمین و از البرز به سمت جنوب را جزء هلال داخلی می‌داند. ماهان در نظریه قدرت دریایی، برای ایران موقعیت گذرگاهی قائل بود که در مسیر دسترسی قدرت زمینی روسیه به اقیانوس‌های جهان قرار دارد. ایران در نظریه اسپایکمن، بخش مهمی از ریملند است و به همین دلیل، موضوع رقابت دو قدرت بری و بحری قرار گرفته است. کوهن، هرچند در نظریه سیستمی خود از ایران به‌عنوان عنصری بی‌قرینه و کشوری بنیادگرا یاد می‌کند، ولی در نظریه ساختار ژئوپلیتیک جهان، ایران را بخش مهم منطقه خردشده خاورمیانه می‌داند که می‌تواند منشأ تحول باشد. از نظر هانتینگتون، ایران مرکز تمدن اسلامی است که اتحاد آن با تمدن کنفوسیوسی می‌تواند پایه‌های تمدن غرب را متزلزل سازد. مجتهدزاده، ایران را هارتلند جدیدی در ژئوپلیتیک پست‌مدرن تصور می‌کند و فولر از آن به‌عنوان قبله عالم یاد می‌کند. ایران در دیدگاه توال، سرچشمه تحرک و

پویایی جهان تشیع و جهان اسلام است. از نظر اریک ریتر، ایران یک عامل مهم تأثیرگذار در جهان اسلام و آسیای مرکزی باقی خواهد ماند. (احمدی و پارسایی، ۱۳۸۴: ۲۹۵) ایران حدود ۳۱ جزیره در خلیج فارس دارد؛ حساس‌ترین جزایر استراتژیک در تنگه هرمز و بر سر راه‌های ورودی و خروجی آن در حاکمیت ایران است. ایران از نظر فلزات معدنی بسیار غنی است.

موقعیت جغرافیایی ایران به نحوی است که در همسایگی قدرت‌هایی چون روسیه و حوزه نفوذ امریکا قرار دارد. قرار گرفتن در مناطقی که قدرت‌های بزرگ، منافع حیاتی برای خود قائل‌اند، به‌طور طبیعی، جایگاه کشور را در تعامل میان قدرت‌های بزرگ افزایش می‌دهد. همچنین، ایران با پانزده کشور دارای مرز آبی و خاکی است. (ایزدی و خلفی، ۱۳۹۰: ۴۷-۴۸)

عربستان

عربستان بزرگ‌ترین کشور در غرب آسیا است که با ایران و عراق در شمال، کویت در شمال شرقی، بحرین، قطر و امارات متحده عربی در شرق، یمن در جنوب، عمان در جنوب شرقی و خلیج فارس و دریای سرخ در شرق هم‌مرز است. اماکن مقدس مسلمانان چون کعبه، مسجد و آرامگاه پیامبر (ص) در این کشور جای دارد. از نظر جغرافیایی، عربستان را می‌توان به چهار منطقه تقسیم کرد: ۱. جبال سراوات؛ ۲. نجد؛ ۳. احسا؛ ۴. صحراهای شن زار. به لحاظ آب و هوایی، منطقه عربستان بسیار خشک و سوزان است. میزان بارندگی نیز کم است. قرار گرفتن عربستان در میان دو آبراه مهم جهان - خلیج فارس و دریای سرخ - به این کشور موقعیت ژئوپلیتیکی خاصی بخشیده است، ولی استفاده از این دو آبراه مساوی با عبور از تنگه هرمز و تنگه باب‌المندب که اولی تحت نفوذ ایران و دومی تحت نظر یمن است. (عظیمی، ۱۳۸۵: ۴-۱)

مالزی

مالزی در جنوب شرقی آسیا واقع شده و از لحاظ جغرافیایی از دو قسمت کاملاً جدا تشکیل شده است. مالزی غربی یا شبه‌جزیره مالزی از شمال با تایلند مرز خشکی دارد و در جنوب به سنگاپور متصل می‌شود. بورنئوی مالزی یا مالزی شرقی بخش شمالی جزیره بورنئو را اشغال کرده و ضمن داشتن مرز با اندونزی، تحت حکومت سلطان‌نشین برونتی قرار دارد. مالزی شرقی شامل ایالات صباح و ساراواک و حوزه فدرال لابوآن است. مالزی با کشور برونتی، تایلند و اندونزی هم‌مرز است. مرزهای دریایی آن با سنگاپور، ویتنام، و فیلیپین است. (World Population Review.com, 2016) تنگه مالاکا که بین سوماترا و شبه‌جزیره مالزی قرار دارد، مهم‌ترین مسیر کشتیرانی جهان محسوب می‌شود. مالزی در نزدیکی خط استوا قرار دارد و دارای آب‌وهوای استوایی، گرم و مرطوب است. مالزی به لحاظ منابع طبیعی، بسیار غنی بوده و رتبه بالایی در

تولید کائوچو، الوار، قلع و روغن نخل دارد. مالزی حدود ۴ میلیارد بشکه ذخیره نفتی دارد. میزان ذخیره گازی مالزی حدود ۲/۵ تریلیون مترمکعب است. (www.BP.com, 2016)

ترکیه

ترکیه در شرق و جنوب شرقی اروپا و در آناتولی در غرب آسیا واقع شده است. شکل هندسی خاص ترکیه نقش مهمی در توسعه اقتصادی آن ایفا کرده است. آسیای صغیر یک اصطلاح جغرافیایی است که بیشتر نویسندگان اروپایی درباره ترکیه استفاده می‌کنند. موقعیت جغرافیایی ترکیه باعث شده است حالت پلی میان دو قاره آسیا و اروپا داشته باشد. اهمیت استراتژیکی گذرگاه‌های سفر و دارانل به ترکیه موقعیت ویژه‌ای بخشیده است. این کشور با دریای مدیترانه در جنوب، دریای سیاه در شمال و دریای اژه در غرب هم‌مرز است. همچنین با ۸ کشور یونان، بلغارستان، گرجستان، ارمنستان، ایران، آذربایجان، سوریه و عراق هم‌مرز است. (www.UNDP.org, 2016)

در پایان این بخش می‌توان چنین نتیجه گرفت که: همه کشورهای مورد بررسی از نظر شاخص‌های جغرافیایی و سرزمینی جزء قدرت‌های برتر در جهان اسلام هستند، اما جمهوری اسلامی ایران از موقعیت و اهمیت بسیار بالاتری نسبت به سایر کشورها برخوردار است. اگرچه در گذشته، ژئوپلیتیک ایران به سبب عواملی مانند منابع خام یا موقعیت گذرگاهی، مورد توجه قرار می‌گرفت، اما با پیروزی انقلاب اسلامی، ایران که یکی از متحدان غرب در منطقه بود به نیرومندترین دشمن آن‌ها تبدیل شد؛ از این رو، غرب از جانب ابعاد جدیدی از ژئوپلیتیک ایران احساس خطر می‌کند. (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۱) یکی از مهم‌ترین این موارد، عوامل ایدئولوژیک و در رأس آن ژئوپلیتیک اسلامی- شیعی است. گرچه بر اساس داده‌های جدول بالا، عربستان از وسعت بیشتری نسبت به ایران برخوردار است، اما اگر سایر ویژگی‌های جغرافیایی را در نظر بگیریم ایران رتبه اول را در این بین به خود اختصاص می‌دهد، زیرا بخش مهمی از خاک عربستان بیابانی و خالی از سکونت است. ترکیه و مالزی گرچه دارای شرایط آب و هوایی مساعدی هستند، اما نسبت به جمهوری اسلامی ایران از مؤلفه قدرت جغرافیایی و مساحت بزرگ برخوردار نیستند. نسبت به سایر کشورها مالزی با توجه به اینکه از دو قسمت جغرافیایی تشکیل شده و همچنین دور از جغرافیای کشورهای اسلامی قرار دارد شاخصه مؤلفه جغرافیایی برای الگوی تمدنی شدن را در حد ضعیفی دارد.

۳-۳- عوامل انسانی - اجتماعی

۳-۳-۱- جمعیت

مردم مهم‌ترین عنصر تمدن هستند. اهمیت جمعیت در حیات سیاسی جامعه تا آنجایی است که از جمعیت به‌عنوان یکی از شروط لازم برای تشکیل دولت نام برده‌اند. بر اساس داده‌های جدول، ایران رتبه اول جمعیتی میان این چهار کشور را دارد و این برتری را در سال‌های آینده نیز حفظ خواهد کرد.

جدول ۲. آمار کنونی و پیش‌بینی آینده جمعیت

کشور	۲۰۱۶	رتبه جهانی (۲۰۱۶)	۲۰۲۵	۲۰۵۰	رتبه جهانی (۲۰۵۰)
ایران	۸۱,۸۲۴,۲۷۰	۱۷	۹۹,۳۴۳	۱۲۱,۴۲۴	۱۴
ترکیه	۷۹,۴۱۴,۲۶۹	۱۸	۸۶,۶۱۱	۹۸,۸۱۸	۲۰
مالزی	۳۰,۵۱۳,۸۴۸	۴۱	۳۱,۳۲۶	۳۷,۸۵۰	۵۲
عربستان	۲۷,۷۵۲,۳۱۶	۴۵	۴۰,۴۷۳	۵۹,۶۸۳	۲۹

(World Population Review, 2016)

۳-۳-۲- شاخص توسعه انسانی

بر اساس شاخص توسعه انسانی لازمه دستیابی به زندگی بهتر، علاوه بر داشتن درآمد بالاتر، پرورش استعداد‌های انسانی است. شاخص توسعه انسانی درصد اندازه‌گیری متوسط دستیابی یک کشور در سه بعد درآمد سرانه، نرخ سواد و امید به زندگی است.

جدول ۳. شاخص‌های توسعه انسانی

کشور	GDP (دلار آمریکا)	نرخ سواد	امید به زندگی
ترکیه	۷۱۷,۹	۹۴,۱	۷۲,۵
عربستان	۶۴۶,۰	۸۷,۲	۷۴,۱
ایران	۴۲۵,۳	۸۵	۷۰,۱
مالزی	۲۹۶,۳	۹۳,۱	۷۳,۸

<http://countrymeters.info/>

شایان به ذکر است در جمهوری اسلامی ایران، شاخص‌های توسعه انسانی غربی مورد نقد قرار گرفته است و نظام به دنبال ارائه الگوی پیشرفت اسلامی است، که این مسئله گامی بزرگ در مسیر تمدن‌سازی است؛ پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام، با توجه به ابعاد گوناگون و پیچیده وجود انسان، از وسعت مفهومی و محتوای غنی برخوردار است، اما شاخص توسعه انسانی به‌طور کامل، محتوای این مفهوم را در بر نمی‌گیرد، زیرا به مسائل مهمی مثل آزادی و حقوق بشر، اعتماد به نفس، استقلال و حس جمعی، نگرانی‌های زیست‌محیطی و غیره توجه نمی‌کند. بر اساس «نگرش پیشرفت انسانی»، اسلام در کنار بعد مادی انسان به جنبه روحی و معنوی او نیز توجه

می‌کند؛ اصل شخصیت انسان را روح می‌داند و در کنار حیات دنیوی، برای زندگی اخروی نیز برنامه‌هایی عرضه و جهت اصلی زندگی انسان را متوجه آخرت می‌کند. (سوره عنکبوت، ۶۴) پیشرفت اسلامی ویژگی‌هایی همچون ایمان، ارزش‌های اخلاقی و مذهبی، آزادی و آزادگی را برای انسان ضروری می‌داند. در حالی که دیگر کشورهای اسلامی چنین دغدغه‌ای ندارند و معمولاً سیاست‌گذاری‌ها، در منطق الگوهای توسعه غربی شکل می‌گیرد. با این حال حتی اگر الگوهای توسعه غربی را در نظر بگیریم، جمهوری اسلامی ایران امکانات و استعدادها مناسبی دارد. بر اساس گزارش سازمان UNDP^۱ شاخص توسعه انسانی ایران برای سال ۲۰۱۶، ۰٫۷۶۶ است و ایران در دسته کشورهای با «توسعه انسانی بالا» قرار می‌گیرد. ایران پیشرفت‌های زیادی در توسعه انسانی در ۳۷ سال گذشته داشته است. بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۴، ارزش شاخص توسعه انسانی ایران ۳۵ درصد افزایش یافته است. رتبه فعلی ایران ۶۹ از میان ۱۸۸ کشور است. (www.UNDP.org, 2016)

۳-۳-۳- نسبت دینی، قومی، نژادی

ترکیه

اسلام (حنفی، شافعی، علوی، شیعه) بیش از ۹۸ درصد از جمعیت ترکیه را تشکیل می‌دهد. مسیحیت بعد از اسلام بیشترین پیروان را دارد و امروزه جمعیت آن‌ها به بیش از ۱۲۰ هزار نفر می‌رسد. همچنین ترکیه دارای ۲۰ هزار نفر یهودی است. در حال حاضر اقوام و نژادهای مختلفی در ترکیه زندگی می‌کنند؛ قوم کرد ۲۰ درصد از جمعیت ترکیه را تشکیل می‌دهد. (دانش‌نیا و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۰) با وجود اعطای برخی از حقوق فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به کردها در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه، اما هنوز هم چالش ملی‌گرایی قوم کرد یکی از مهم‌ترین مشکلات ترکیه است.

مالزی

مالزی کشوری چندقومی، چندفرهنگی و چندزبانی است. تنها ۵۰٫۴ درصد جمعیت مالایی و بقیه غیرمالایی شامل بومی پوته، سرخ‌پوستان، چینی، هندی و غیره هستند. (www.UNDP.org, 2016) زبان ملایو زبان رسمی است. دین رسمی اسلام است که بر پایه اعتقادات اهل سنت در اصول، قانون و اخلاق اسلامی است؛ تعالیم اسلامی غیر از مذهب سنی، خلاف قانون اسلامی است. نام نژاد ملایو با دین اسلام، چینی با بودیسم و کنفوسیوئیسم و هندی با هندوئیسم همراه

۱. در گزارش سازمان UNDP، کشورهای جهان از نظر میزان توسعه انسانی به چهار گروه تقسیم بندی شده‌اند: کشورهای دارای توسعه انسانی بسیار بالا، کشورهای دارای توسعه انسانی بالا، کشورهای دارای توسعه انسانی متوسط و کشورهای دارای توسعه انسانی پایین.

است. ۶۰ درصد مردم این کشور مسلمان شافعی، ۱۹/۲ درصد بودایی، ۶/۳ درصد کنفوسیوس و تائوئیزم، ۹/۱ درصد هندو و ۹/۱ درصد را مسیحیان تشکیل می‌دهند.

عربستان

تعصب قبیله‌ای و مذهب، شکل‌دهنده کلی فرهنگ جامعه عربستان است. این ساختار جامعه عربستان، مانع از به وجود آمدن فرهنگی یگانه شده است. نژاد مردم عربستان سامی است که به زبان عربی سخن می‌گویند. حدود چهار هزار قبیله در این کشور وجود دارد. به لحاظ مذهبی، بیشتر مردم عربستان را وهابی‌ها تشکیل می‌دهند. این مذهب که یکی از فرقه‌های متعصب اهل تسنن است، هیچ‌گونه انعطافی در برابر مخالفان خود نشان نمی‌دهد. در این کشور، چهار ملیت و قبیله یا سنت‌های متفاوت دیده می‌شود: ۱. نجدی‌ها که در مرکز عربستان قرار دارند و خاندان سعودی هم از همین منطقه هستند؛ ۲. حجازی‌ها که اهالی شهرهای مکه، مدینه و جده را شامل می‌شوند. به اعتقاد خاندان آل سعود، حجازی‌ها به لحاظ اینکه بازمانده زوار عتبات عالیات هستند، شایستگی پذیرش مسئولیت‌های دولتی را ندارند؛ ۳. شیعیان که بیشتر در مناطق شرقی و مراکز تولید و صدور نفت، مثل قطیف سکونت دارند؛ ۴. آسوری‌ها که اقلیتی ناچیز را تشکیل می‌دهند و بیشتر در حوالی مرز یمن سکونت دارند. گرچه سرشماری دقیقی وجود ندارد، ولی شواهد نشان می‌دهد که ۱۰۰ درصد مردم مسلمان هستند اکثریت ۹۰-۸۹ درصد سنی و باقیمانده شیعیان هستند. (World population review.com, 2016)

ایران

ایران سرزمین فرهنگ‌ها و ادیان مختلف و از قدیمی‌ترین تمدن‌هاست که قدمت آن به ۳۲۰۰-۲۸۰۰ سال قبل میلاد می‌رسد. اکثریت جمعیت (۸۹ درصد) مسلمان شیعه و ۱۰ درصد مسلمان سنی هستند. ۱ درصد باقی‌مانده مسیحی، زرتشتی، بهایی و یهودی است. بزرگ‌ترین اقلیت دینی مسیحیان هستند که اکثراً ارمنی تبارند. بزرگ‌ترین گروه‌های قومی ایران، فارسی و آذری است حدود ۷۹ درصد جمعیت به گروه قومی زبانی هندواروپایی تعلق دارند. (World Population Review.com, 2016)

در زمینه تنوع قومی مذهبی باید به این مسئله اشاره کرد که در جمهوری اسلامی ایران به نسبت سایر کشورها وحدت و یگانگی قومی - مذهبی در قالب حاکمیت واحد کمتر با چالش مواجه شده است، اما در ترکیه چالش قوم کرد، در مالزی شورش‌های نژادی اقوام چینی و هندی و در عربستان چالش اقلیت مذهبی شیعیان همواره وجود داشته و حتی گاهی حاکمیت را با تهدیداتی جدی مواجه ساخته است. این در حالی است که حفظ وحدت قومی - نژادی از ضرورت‌های

تمدن سازی است. همچنین لازم به ذکر است که گرچه چنین چالش‌هایی در ایران هم وجود دارد مهم این است که نگاه ایدئولوژیک در ترکیه و عربستان مانع شکل‌گیری فرایندی برای جذب شدن و همبستگی در مسیر تمدن سازی است، اما در مورد ایران این مشکل وجود ندارد.

۳-۴- عوامل فرهنگی

ایران همواره در چهارراه تمدن‌های بزرگ بشری قرار داشته است. مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت فرهنگی ایران عبارت‌اند از:

۱. اسلامیت: در طول ۱۴ قرن گذشته تشیع به صورت نشان ملی و هویت فرهنگی ایرانیان درآمد. تلفیق فرهنگ ایرانی اسلامی، خدامحوری، شهادت، ظلم‌ستیزی و ایثار، انتظار، برخورداری از ارزش‌های جهانی، از شاخص‌های هویت فرهنگ اسلامی ایرانی است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در سه عنصر تفکیک‌ناپذیر نظام جمهوری اسلامی (مردم‌سالاری دینی)، فرهنگ شهادت و عدالت، و اصول استقلال و آزادی دانست. (هرسیج، ۱۳۹۰: ۱۵۸)

۲. ایرانی‌بودن: ایران سرزمینی است که در طول پنج هزار سال گذشته، اقوام گوناگونی را در خود جای داده است. مؤلفه‌های ایرانی‌بودن هویت فرهنگی ایرانیان شامل زبان، جغرافیای فرهنگی، تاریخ و حافظه تاریخی و نظام اجتماعی (نظام آموزشی، خانواده، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و حقوقی) است. (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۵۹) زبان فارسی به‌عنوان زبان ملی و نیز تاریخ و آداب و سنن ملی یکی از عوامل هویت‌بخش فرهنگی ایرانیان بوده است. در تاریخ ایران، همواره هویت فرهنگی مردم، از راه زبان فارسی حفظ شده است. بخش مهم شعر و ادبیات فارسی، سروده‌های عارفانه است که ذاتاً انفسی و غیر آفاقی‌اند و انسانی‌ترین ظرفیت هویت‌بخش فرهنگ ایران است. (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۳۸-۳۹) علاوه بر زبان و ادبیات فارسی، داستان‌های دلاوری، خط، اعیاد و جشن‌ها، آیین‌ها و سنن باستانی همانند عید نوروز، اسطوره‌ها، عناصر پایدار و خلیقات ملی همانند یکتاپرستی، میهن‌پرستی، تساهل و مدارا، عبادت و نمازخواندن، هنر ایرانی همچون معماری، کتیبه‌نویسی، نقاشی و خطاطی، مینیاتور، موسیقی، سفال‌سازی، و فرش‌بافی، همچنین علوم ایرانی-اسلامی از دیگر شاخص‌های هویت‌ساز فرهنگ ایرانی بوده‌اند. به چالش کشیدن هژمونی فرهنگی غرب، گشایش جبهه ثالث در نظام بین‌المللی بر اساس اصل نه شرقی نه غربی، پرچم‌داری انقلاب فرهنگی جهانی، شکل‌گیری فرهنگ مقاومت جهانی در برابر استکبار و صهیونیسم، تقویت گفتمان نفی سلطه و عدالت‌خواهی، ارتقای فرهنگ جهاد، شهادت و منجی‌طلبی، رشد گفتمان معنوی و دینی در جهان از مهم‌ترین تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی ایران در سطح بین‌المللی است. علاوه بر این، نوگرایی و پیشرفت نیز از دیگر مؤلفه‌هاست که فرهنگ ایران را در تاریخ معاصر تحت تأثیر قرار داده است.

در پایان باید گفت: کشوری می‌تواند به‌عنوان الگوی تمدن اسلامی معرفی شود که هم دارای تاریخ اسلامی و هم دارای فرهنگ اسلامی باشد. کشور ترکیه به‌رغم داشتن تاریخ اسلامی فاقد فرهنگ اسلامی و کشور مالزی هر دو مؤلفه تاریخ اسلامی و فرهنگ اسلامی را در حد ضعیفی دارد. عربستان سعودی هم به‌رغم داشتن هر دو مؤلفه تاریخ اسلامی و فرهنگ اسلامی در حد نسبتاً قابل قبول واجد دیگر شرایط لازم برای الگوی تمدنی شدن نیست. تراث علمی اسلامی را در سه چیز می‌توان دنبال کرد: نخست در شخصیت‌های فکری جریان ساز مثل امام خمینی، دوم در مدرسه‌های علمی با کتابخانه‌های غنی و معتبر مثل حوزه علمیه قم، سوم در کتاب‌های مهم جریان‌ساز در تاریخ مثل اسفار اربعه ملاصدرا. در بین کشورهای مورد بررسی ایران بیش از سایرین دارای این شاخصه‌ها است و مالزی در این زمینه از بقیه ضعیف‌تر است. ایران باید با برنامه‌ریزی فرهنگی در داخل و استفاده از آن در قالب دیپلماسی فرهنگی به ارتقای سطح روابط متقابل و معرفی فرهنگ غنی ایرانی به سایر کشورها بپردازد.

۳-۵- عوامل سیاسی

هر جامعه‌ای دارای نهادهایی است که مسئول قانون‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجرای آن است، به این نهادها سازمان سیاسی یا حکومت گفته می‌شود.

مالزی

در شبه‌جزیره مالایا تا سال ۱۸۷۴ قدرت‌های استعماری پرتغال و هلند حاکم بودند. از این سال قدرت انگلیس بر شبه‌جزیره حاکم شد. در اواخر قرن ۱۹ دولت مستعمره انگلیس تشکیل شد و این وضعیت استعماری تا سال ۱۹۵۷ ادامه یافت. در سال ۱۹۶۳ سنگاپور از مالزی جدا و مالزی به شکل کنونی تثبیت شد. (www.UNDP.com, 2016) مالزی دارای نظام «سلطنتی مشروطه» است که با الهام از سیستم حکومت پارلمانی انگلیس پایه‌گذاری و در بدنه حکومتی آن نیز از سیستم‌های فدرال استفاده شده است. پادشاه در رأس حکومت قرار دارد و دارای اختیارات و وظایف تشریفاتی است و از بین خانواده سلاطین ۹ ایالت مالزی به صورت دوره‌ای و به مدت پنج سال انتخاب می‌شود. قدرت اجرایی در اختیار نخست‌وزیر است که بر اساس انتخابات مجلس نمایندگان فدرال تعیین می‌شوند رئیس‌حزبی که اکثریت کرسی‌های مجلس را به خود اختصاص دهد، به‌عنوان نخست‌وزیر معرفی می‌شود سیستم پارلمانی مالزی متشکل از دو مجلس نمایندگان و سنا است. حدود ۴۰ حزب سیاسی در مالزی فعالیت می‌کنند که قوی‌ترین آن‌ها حزب آمو است. (شیرزادی، ۱۳۸۹: ۱۷۰-۱۶۹)

ترکیه

ترکیه امروزی بیش از شش قرن مرکز امپراتوری عثمانی بود. با فروپاشی عثمانی کشور ترکیه به رهبری آتاتورک در اکتبر ۱۹۲۳ تأسیس شد. حکومت ترکیه «جمهوری دموکراسی پارلمانی» است. قوه مقننه از یک مجلس تشکیل شده و در رأس قوه مجریه، رئیس‌جمهور قرار دارد که از طرف مجلس ملی برای دوره هفت‌ساله تجدیدنپذیری انتخاب می‌شود. طبق ماده ۲ قانون اساسی، این کشور دارای یک نظام اجتماعی غیردینی و دموکراتیک برگرفته از ناسیونالیسم آتاتورک است. در سال ۲۰۰۲ میلادی با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه که رویکرد اسلامی داشت، تاریخ سیاسی این کشور وارد مرحله جدیدی شد و تنش‌های جدی بین نهادهای لائیک و حزب عدالت و توسعه به وجود آمد. شاخصه‌های مدل حکومتی ترکیه عبارت‌اند از: ۱. جدایی دین از سیاست یا رابطه حداقلی میان اسلام و سیاست؛ ۲. پذیرش الزامات نظام لیبرال، به گونه‌ای که اسلام باید خود را با این قواعد هماهنگ کند؛ ۳. نبود برخورد انقلابی با بی‌عدالتی در جهان؛ ۴. حرکت در مسیر اقتصاد بازار آزاد؛ ۵. نگاه ملی‌گرایانه در قالب فدرالیسم ترکی و شعار جهان ترکی. همچنین از ویژگی‌های نظام سیاسی ترکیه نقش احزاب و رقابت آن‌ها برای سهم شدن در حاکمیت از طریق انتخابات است. (موثقی و گیلانی، ۱۳۸۹: ۴۵-۴۴)

عربستان

پادشاهی عربستان سعودی در سال ۱۹۳۲ توسط ملک عبدالعزیز بن سعود پایه‌گذاری شد. عربستان یک سلطنت مطلقه مبتنی بر شریعت اسلامی است. پادشاه حاکم کشور و فرمانده نیروی نظامی و نیز در رأس نظام سیاسی است. وزارتخانه‌های کلیدی چون کشور، خارجه و دفاع به وسیله اعضای خاندان سلطنتی اداره می‌شود. این کشور از زمان پیدایش هیچ قانون اساسی نوشته‌شده‌ای نداشته است؛ بنیان‌گذاران عربستان قرآن و سنت را منبع قانون می‌دانند. خاندان آل سعود برای افزایش مشروعیت و حفظ حکومت تصمیم گرفتند «سیستم رفاهی از گهواره تا گور» را به اجرا بگذارند. نسل اول شاهزادگان در حال کنار رفتن هستند و هرلحظه امکان دارد هرج‌ومرج کشور را فراگیرد. (همیانی، ۱۳۹۴: ۵۹) تا امروز همه شاهان عربستان به درجات متفاوت همکاری با آمریکا و وابستگی به آن را به‌عنوان قانون طلایی دنبال کرده‌اند. این در حالی است که ارتباط با آمریکا و رژیم صهیونیستی با هویت اسلامی عربستان در تضاد است. حکومتی که در اوایل قرن ۲۰ در آن سرزمین برپا شد دولتی است که با توسل به اسلام و آیین وهابیت به قدرت رسیده است. اسلام سنتی وهابی، تعصب شدید مذهبی و تسامح نکردن در امور مذهبی دارد. ساختار قدرت این کشور بر پایه نهادهایی قرار دارد که به دو گونه رسمی و غیررسمی به ایفای نقش می‌پردازند. نهادهای سلطنتی، مذهب، شورای وزیران و مجلس مشورتی در زمره ساختارهای رسمی قدرت و شورای خاندان، بیعت، رؤسا و شیوخ قبایل از ساختارهای غیررسمی

قدرت هستند؛ مردم و نهادهای مدنی جایگاهی در ساختار قدرت ندارند. (منصوری مقدم، ۱۳۹۱: ۸۵-۸۴)

ایران

در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷، انقلاب اسلامی ایران با فروپاشی رژیم شاهنشاهی به پیروزی رسید. طرح حکومت اسلامی، با نام جمهوری اسلامی در فروردین ۱۳۵۸، به همه‌پرسی گذاشته شد. طبق اصل ۵۷ قانون اساسی، ساخت کلی نظام در قالب حکومتی بسیط و تک‌ساخت، از سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه تشکیل می‌شود که زیر نظر ولی‌فقیه یا رهبر انجام‌وظیفه می‌کنند. این قوا مستقل از یکدیگرند و رهبر نیز دارای جایگاه ولایت مطلقه امر و امامت امت است. در مورد اهمیت ساختار حکومت در ایران باید به این مسئله اشاره کرد که انقلاب ایران اساساً در تعارض با نظام بین‌الملل رخ داد و ارزش‌ها و هنجارهایی را مطرح کرد که با منافع قدرت‌های حامی حفظ وضع موجود تعارض داشت. برخی از این ارزش‌ها عبارت‌اند از: استقلال، آزادی، عدالت، حق تعیین سرنوشت، همبستگی مستضعفان، بیداری مسلمانان، حقانیت ملت‌های محروم، مبارزه علیه قدرت‌طلبی، غارتگری، زورگویی، انحصارطلبی، پایگاه خارجی، تجاوز، امپریالیسم، استعمار، جهالت، تفرقه و اختلاف. (بطحائی و جوادی ارجمند، ۱۳۹۴: ۴۱) همچنین، قانون اساسی فرامرزی، پیوند دین و سیاست، اندیشه صدور انقلاب و صلح جهانی از جمله عواملی است که ظرفیت‌های الگوسازی تمدنی ایران را در مقایسه با سایر کشورها نشان می‌دهد. جمهوری اسلامی ایران در صدد ارائه الگوی مردم‌سالاری دینی به جهان اسلام است، اما ساختار حکومت در ترکیه، مالزی و به‌ویژه عربستان مادی‌گرایانه است و اهداف و ارزش‌های انسانی و الهی جایگاه چندانی در آن ندارد. همچنین امتیاز اساسی جمهوری اسلامی ایران ارائه یک الگوی برخاسته از متن اسلام و در نقد لیبرال دموکراسی است. این در حالی است که در کشورهای مورد بررسی، کاملاً الگوهای غربی و مدل لیبرالی پذیرفته شده است. حتی ساختار سیاسی مادی‌گرایانه این کشورها به‌ویژه در ترکیه و عربستان با چالش جدی مواجه است. ناآرامی‌ها و کودتاهای اخیر در ترکیه و نارضایتی شیعیان عربستان از رژیم پادشاهی آل سعود شاهدهی بر این مدعاست.

۳-۶- عوامل اقتصادی

۳-۶-۱- انرژی

انرژی یک عامل راهبردی بسیار مهم در توسعه اقتصادی کشورها است. با توجه به اینکه در حال حاضر بخش مهمی از تولید انرژی جهان نفت و گاز است، کشورهایی که از آن بهره‌مند هستند می‌توانند در تأمین امنیت انرژی آینده جهان تأثیرگذار باشند.

جدول ۴. ذخایر اثبات شده نفت کشورها

کشور	ذخایر اثبات شده نفت	تولید نفت (هزار بشکه)	واردات نفت (MToe)
عربستان	۲۶۸,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۹,۷۳۵	-۴۰۵,۴۵
ایران	۱۵۷,۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۳,۲۲۶	-۷۵,۳۲
مالزی	۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۵۹۷,۵	-۱,۱۸
ترکیه	۲۹۶,۰۰۰,۰۰۰	۴۷,۶۷۰	۸۳,۲۷

www.globalfirepower.com

در میان کشورهای مورد بررسی عربستان و جمهوری اسلامی ایران دارای ذخایر عظیمی از نفت و گاز هستند و سهم عمده‌ای در صادرات نفت جهان را به خود اختصاص داده‌اند. عربستان بزرگ‌ترین صادرکننده نفت جهان است. نفت و گاز حدود ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی و ۸۵ درصد درآمد حاصل از صادرات را تشکیل می‌دهد. عربستان همچنین دارای ششمین ذخایر گاز طبیعی بزرگ جهان است. (www.World Bank.org, 2014) بر اساس گزارش گلوبال فایر در سال ۲۰۱۶ عربستان تقریباً ۲۶۸ میلیارد بشکه ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارد یعنی حدود یک‌پنجم ذخایر نفتی دنیا که حدود دوسوم آن نفت سبک، فوق سبک و سوپر سبک است. اکنون عربستان بیشترین ظرفیت تولید نفت و بزرگ‌ترین حوزه‌های نفتی را در اختیار دارد و یکی از پایین‌ترین هزینه‌های تولید نفت در جهان است. به غیر از نفت دیگر منابع این کشور عبارت‌اند از گاز طبیعی، سنگ آهن، طلا و مس. مطابق داده‌های جدول، ایران در سال ۲۰۱۶ همچنان ذخایر نفتش در سطح ۱۵۷,۸ میلیارد بشکه باقی مانده است. بر این اساس، ایران ۹,۳ درصد کل ذخایر نفتی اثبات شده جهان را در اختیار دارد. ایران رتبه اول جهان در ذخایر گاز طبیعی و رتبه چهارم در ذخایر اثبات شده نفت است. ایران ۱۸,۲ درصد کل ذخایر گازی جهان را در خود جای داده است. (www.BP.com, 2015) به غیر از نفت دیگر منابع طبیعی این کشور شامل گاز طبیعی، زغال سنگ، کروم، مس، سنگ آهن، سرب، منگنز، روی و گوگرد است.

مالزی یکی از غنی‌ترین کشورها از نظر منابع طبیعی و از بزرگ‌ترین صادرکنندگان قلع، کائوچو و چوب‌های استوایی و از اولین تولیدکنندگان روغن نخل در جهان است و درعین حال دارای منابع نفت و گاز طبیعی است. ذخایر نفت اثبات شده نفت مالزی ۴ میلیارد بشکه اعلام شده است که تقریباً تمامی آن در حوزه‌های دریایی واقع شده است. از نظر میزان ذخایر نفت و گاز مالزی پس از چین و هند در رده سوم کشورهای آسیا و اقیانوسیه قرار داد. مالزی معادل ۲,۳۵ تریلیون مترمکعب گاز طبیعی اثبات شده دارد و از نظر ذخایر گاز در بین کشورهای جهان دارای رتبه هشتم است. ترکیه تقریباً کل نفت و گاز و همچنین ۳۰ درصد از زغال سنگ خود را وارد می‌کند. ترکیه به عنوان یک کشور فقیر در زمینه منابع فسیلی به طور فزاینده نیازمند واردات انرژی است.

امروز ترکیه حدود دوسوم گاز خود را از روسیه و یک سوم آن را از ایران وارد می‌کند. در سال ۲۰۱۲ هزینه‌های واردات گاز ترکیه به ۲۶ میلیارد دلار رسید. همچنین، در طول دهه گذشته واردات نفت خام ترکیه ۷,۲ درصد افزایش یافته است این در حالی است که واردات محصولات نفتی تا ۲۶۰ درصد افزایش یافته است. ترکیه در سال ۲۰۱۵، ۲۵,۱ میلیون تن نفت عمدتاً از کشورهای خاورمیانه وارد کرد. عراق (۴۵/۵ درصد) ایران (۲۲/۳ درصد) عربستان سعودی (۹/۵ درصد) نیجریه (۲/۱۵ درصد) قزاقستان (۲/۶ درصد) روسیه (۱۲/۴ درصد) از مهم‌ترین کشورهای صادرکننده نفت به ترکیه به شمار می‌روند. (International Energy Agency, 2016: 71-72) بنابراین، تأمین امنیت انرژی یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های کشورهای ترکیه به حساب می‌آید که ممکن است آینده رشد اقتصادی آن را با مشکل مواجه کند.

در پایان این بخش باید گفت اگر مجموع منابع نفت و گاز را در نظر بگیریم ایران رتبه اول در بین این کشورها را به خود اختصاص می‌دهد، اما کشور ایران و به‌ویژه عربستان با وجود داشتن منابع عظیم نفت و گاز دارای اقتصاد تک‌محصولی هستند که برای تداوم رشد اقتصادی پایدار باید بر این مشکل فائق شوند. مالزی گرچه نسبت به عربستان و ایران منابع انرژی اندکی دارد، اما توانسته در سایر بخش‌های اقتصادی موفق عمل کند. بر اساس گزارش «کمیسسیون رشد و توسعه» سال ۲۰۰۸ مالزی یکی از سه کشوری است که رشد متوسط بیش از ۷ درصد را برای ۲۵ سال پشت سر گذاشته است. مالزی توانست از اقتصاد وابسته به منابع طبیعی اولیه به اقتصاد متنوع تبدیل شود. (www.World Bank.org, 2016) رشد تولید ناخالص داخلی مالزی در دهه‌های اخیر بسیار سریع بوده است به گونه‌ای که از حدود ۵۴ میلیارد رینگیت در سال ۱۹۸۰ به حدود ۷۶۵ میلیارد رینگیت در سال ۲۰۱۰ افزایش یافته است. در پی این وضعیت این کشور توانست پدیده فقر را مهار و به صفر برساند؛ این در حالی است که در سال ۱۹۷۰ نیمی از جمعیت این کشور زیر خط فقر زندگی می‌کردند. در حال حاضر، مالزی یکی از ده کشور اصلی تولیدکننده صنایع (IT) و (ICT) جهان محسوب می‌شود. به موازات پیشرفت، بانکداری اسلامی هم در آن رو به رشد بوده است به گونه‌ای که اکنون به یکی از مهم‌ترین کانون‌های بانکداری اسلامی در جهان تبدیل شده است. (واعظی، ۱۳۹۳: ۲۶۸) البته لازم به ذکر است اقتصاد مالزی با اتکا به سرمایه‌گذاری خارجی، بخصوص سرمایه‌گذاری آمریکا و ژاپن متحول شده است. صاحب‌نظران اقتصادی، سیاست‌های سازگار با فرصت‌های جهانی به‌ویژه از آغاز دوران نخست‌وزیری ماهاتیر محمد را عامل اصلی تحول بزرگ این کشور می‌دانند. در ترکیه نیز با برآمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ با بازتعریف استراتژی کلان کشور و رویکرد تجاری، زمینه برای ظهور این کشور به‌عنوان قدرت جدید اقتصادی فراهم شد. این رشد بر مبنای سازوکارهای اقتصاد بازار و گسترش شبکه‌ای شرکای اقتصادی صورت گرفته است. طی ۱۱ سال گذشته اقتصاد ترکیه موفق به کسب نرخ رشد اقتصادی متوسط ۷ درصد شده است و اکنون این کشور شانزدهمین اقتصاد

بزرگ جهان است، اما از ضعف‌های مهم اقتصادی ترکیه این است که، از منابع انرژی فسیلی محدودی برخوردار است؛ این مسئله به همراه بحران‌های سیاسی آینده رشد اقتصادی این کشور را با تردید مواجه ساخته است.

۳-۷- عوامل نظامی

۳-۷-۱- قدرت نظامی

ایران جمعیتی بالغ بر ۸۱ میلیون نفر دارد که ۴۷ میلیون نفر نیروی انسانی آماده‌به‌کار هستند که از این میان ۱ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر هر ساله به سن نظامی می‌رسند که ۵۴۵ هزار نفر از آن‌ها نیروهای حاضر در خطوط مقدم و ۱ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر دیگر به‌عنوان نیروی ذخیره است. ایران قوی‌ترین یگان موشکی را در منطقه در اختیار دارد که این موضوع به دلیل تولید و توسعه دانش موشکی در نیروهای مسلح ایجاد شده است. جمهوری اسلامی ایران با دارا بودن انواع موشک‌های زمین به زمین، ساحل به دریا، زمین به هوا، هوا به هوا، هوا به زمین، پتانسیل‌های گسترده‌ای برای بازدارندگی ایجاد کرده است. مالزی بالغ بر ۳۰ میلیون نفر جمعیت دارد که ۱۵ میلیون نفر نیروی انسانی آماده‌به‌کار هستند که از این میان ۵۲۰ هزار نفر هر ساله در این کشور به سن نظامی می‌رسند که ۱۱۰ هزار نفر نیروهای حاضر در خط مقدم و ۲۹۶ هزار و پانصد نفر دیگر به‌عنوان نیروی ذخیره است. همچنین عربستان بالغ بر ۲۷ میلیون نفر جمعیت دارد که ۱۵ میلیون و سیصد هزار نفر نیروی انسانی آماده‌به‌کار هستند که از این میان ۵۱۰ هزار نفر هر ساله در این کشور به سن نظامی می‌رسند که ۲۳۵ هزار نفر نیروهای حاضر در خط مقدم و ۲۵ هزار نفر دیگر به‌عنوان نیروی ذخیره است. ترکیه نیز بالغ بر ۸۰ میلیون نفر جمعیت دارد که ۴۱ میلیون و ۶۴۰ هزار نفر نیروی انسانی آماده‌به‌کار هستند که از این میان ۱ میلیون و سیصد و هفتاد هزار نفر هر ساله در این کشور به سن نظامی می‌رسند که ۴۱۰ هزار نفر نیروهای حاضر در خط مقدم و ۱۸۵ هزار و ششصد و سی نفر دیگر به‌عنوان نیروی ذخیره هستند. جدول زیر شاخص قدرت نظامی کشورها و رتبه آن‌ها را نشان می‌دهد. کشور ترکیه از حیث قدرت نظامی رتبه ۱ منطقه و ۸ جهان را دارد. (www.globalfirepower.com, 2016)

جدول ۵. قدرت نظامی کشورها

کشورها	امتیاز شاخص قدرت GFI	رتبه در خاورمیانه	رتبه جهانی (از ۱۲۶ کشور)	نیروی انسانی	فروند هواپیما (همه انواع)	بودجه سالانه (دولار آمریکا)	دفاعی (کیلومتر)	مرز مشترک
ترکیه	۰,۲۶۲۳	۱	۸	۴۱,۶۴۰,۰۰۰	۱۰۰۷	۱۸,۱۸۵,۰۰۰۰۰۰	۲,۸۱۶	
ایران	۰,۴۰۷۱	۴	۲۱	۴۷,۰۰۰,۰۰۰	۴۷۹	۶,۳۰۰,۰۰۰۰۰۰	۵,۸۹۴	
عربستان	۰,۴۳۳۵	۵	۲۴	۱۵,۳۰۰,۰۰۰	۷۲۲	۵۶,۷۲۵,۰۰۰۰۰۰	۴,۲۷۲	
مالزی	۰,۶۶۷۹	-	۳۴	۱۵,۰۰۰,۰۰۰	۲۲۷	۴,۷۰۰,۰۰۰۰۰۰	۲,۷۴۲	

در پایان این بخش باید گفت: با اینکه بودجه نظامی عربستان چند برابر جمهوری اسلامی ایران است، ولی باین حال از نظر قدرت نظامی در خاورمیانه بعد از ایران قرار دارد. ارتش سعودی وابستگی شدیدی به غرب و به‌ویژه آمریکا دارد و صنعت نظامی آن غیربومی است، اما ارتش ایران از سلاح و ادوات بومی استفاده می‌کند. همچنین در مقایسه ایران و ترکیه باید به این مطلب اشاره کرد که بخش مهمی از علت رتبه بالاتر نظامی ترکیه بر ایران میزان بالای بودجه نظامی است (بودجه نظامی ترکیه تقریباً سه برابر ایران است)؛ درحالی‌که در شاخصه نیروی انسانی ایران نسبت به ترکیه پیشتر است. رتبه جهانی مالزی در حوزه نظامی بسیار پایین‌تر از سایر کشورها است. آنچه ایران را با دیگر کشورهای منطقه متمایز می‌کند این است که ایران قادر است نیازهای نظامی خود را در داخل تولید کند. ایران می‌تواند تانک و زیردریایی تولید کرده و حتی پهپاد بسازد. جمهوری اسلامی ایران انواع تانک‌های ذوالفقار، صمصام، مبارز، تی ۷۲، تیام، چیفتن مدرن را می‌سازد یا بهینه‌سازی می‌کند؛ همچنین جمهوری اسلامی ایران با وجود تحریم‌های سازمان ملل دارای برنامه هسته‌ای پیشرفته است. درحالی‌که سایر کشورهای مورد بررسی در حال حاضر دارای توانمندی صلح‌آمیز هسته‌ای نیستند. ترکیه و عربستان گرچه در سال‌های اخیر برنامه‌هایی برای ساخت و بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای به‌ویژه متأثر از موفقیت‌های برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران داشته‌اند، اما تاکنون به نتیجه خاصی نرسیده است. همچنین مالزی طرح ساخت دو نیروگاه هسته‌ای را که پیش‌ازاین برای سال ۲۰۲۱ برنامه‌ریزی کرده بود، تا سال ۲۰۳۰ به تأخیر انداخت.

۳-۸- سیاست خارجی

در بررسی استراتژیک کشورها، یکی از مهم‌ترین حوزه‌های بررسی، مسائل مربوط به سیاست خارجی است که مبنای تعاملات آن کشور با دنیای اطراف خود است. سیاست خارجی می‌تواند ابتکار عمل یک دولت یا واکنش آن در قبال کنش دیگر دولت‌ها باشد.

ایران

در بعد هستی‌شناسانه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سیاست خارجی آن از ساختار معانی اسلام‌گرایی شیعی که تعیین‌بخش هویت اسلامی- شیعی - انقلابی جمهوری اسلامی است نشأت گرفته است. بر این اساس قانون اساسی و سیاست خارجی منبعث از آن جهان‌گرایانه است؛ چون سعادت و رهایی را نه تنها برای خود، بلکه برای همه مردم جهان طلب می‌کند. (اصل ۱۵۴) امت محورانه است، زیرا به دنبال وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام (اصل ۱۱) و در تعارض آشکار با سیستم دولت - ملت حاکم بر جامعه بین‌الملل معاصر و نیز قواعد حاکم بر ساختار هژمونیک نظام بین‌الملل است. انقلابی است چون شالوده شکن و مواجهه‌جویانه است و در پی دفاع از حقوق همه مسلمانان جهان و نداشتن تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر است (اصل ۱۵۲) و در تعارض آشکار با ساختار نظام بین‌الملل حاکم قرار می‌گیرد. تلاش برای صدور انقلاب و تشکیل امت واحده جهانی، حمایت از مستضعفین و نهضت‌های رهایی‌بخش جهان در برابر مستکبرین، تلاش برای ایجاد حکومت جهانی اسلام، اصل نه شرقی و نه غربی از اصول مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. (صادقی، ۱۳۹۳: ۳۰) مجموع اهداف سیاست خارجی ایران با بررسی قانون اساسی موارد زیر است: ۱. سعادت انسان در کل جامعه بشری؛ ۲. استقلال کشور؛ ۳. ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی و طرد نظام سلطه در جهان و حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفان؛ ۴. تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان، ائتلاف و اتحاد ملل مسلمان و وحدت جهان اسلام؛ ۵. نفی هرگونه ستمگری، ستم‌کشی، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری؛ ۶. طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب و حفظ تمامیت ارضی و نفی سبیل؛ ۷. روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب؛ ۸. صداقت و وفای به عهد در معاهده‌ها.

ترکیه

ترکیه از لحاظ منطقه‌ای خود را پلی میان شرق و غرب و اسلام و مسیحیت می‌داند و از این رو، معتقد است پلی تمدنی است که وظیفه آن وساطت و همکاری میان طرفین منازعه در مناطق پیرامونی است. سیاست خارجی ترکیه علاوه بر جغرافیا از تاریخ و اقتصاد هم ناشی می‌شود. این سه متغیر به‌طور کلی منابع تاریخی سیاست خارجی ترکیه مدرن است. به‌طور کلی اصول سیاست خارجی ترکیه نشأت گرفته از تفکر غرب‌گرای کمالیستی است. در قانون اساسی ترکیه که در سال ۱۹۳۷ تدوین شد اصول سیاست خارجی کمالیستی در شش اصل خلاصه شده است: ملی‌گرایی، سکولاریسم، جمهوری‌خواهی، مردم‌گرایی، دولت‌گرایی و انقلابی‌گری. (آدمی و نوری، ۱۳۹۲: ۶) ترکیه از زمان شکل‌گیری تاکنون تقابلی جدی با ساختار نظام بین‌الملل نداشته و آن را ناعادلانه ندانسته و در صدد بر هم زدن نظم موجود بین‌الملل نبوده است. از نظر ترک‌ها، ترکیه به دلیل اینکه در میان تعدادی از حوزه‌های ژئوپلیتیک مثل خاورمیانه، جهان اسلام، غرب و

آسیای مرکزی قرار دارد تنها در صورتی می‌تواند به‌عنوان قدرت منطقه‌ای ظهور کند که با همه حوزه‌ها و همسایگان روابط خوبی داشته باشد. لازمه این روابط خوب ابتدا همسو شدن با ساختار نظام بین‌الملل و قدرت‌های برتر آن و سپس همسویی با منافع، اهداف و آرمان‌های کشورهای موجود در زیرسیستم منطقه‌ای خاورمیانه برای مدیریت تحولات در جهت منافع ترکیه است. به‌ویژه از زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در اواخر سال ۲۰۰۲ سیاست خارجی ترکیه رویکرد عمق استراتژیک و «مشکل صفر با همسایگان» بوده است. دیدگاه نوعثمانیسم به دنبال بازیابی میراث امپراتوری عثمانی است. اقتصاد رو به رشد، ظرفیت‌های صادرات و بخش خصوصی کارآفرین، نیروهای محرکه مهم نوعثمانیسم ترکیه در خاورمیانه است. حزب عدالت و توسعه درصدد حرکت به سوی مناطق غیر غربی برآمده است تا این روابط را به روابط پیشین با غرب بیفزاید نه اینکه جایگزین آن‌ها کند. پس از وقوع تحولات ناشی از بیداری اسلامی از سال ۲۰۱۱ ترکیه به سوی ایفای نقش رهبری در تحولات منطقه حرکت و خود را به‌عنوان نمونه‌ای از دموکراسی اسلامی معرفی کرد. (یعقوبی‌فر، ۱۳۹۲: ۹۷۰) دکترین استراتژیک ترکیه نوین را نوعثمانی‌گری نام نهاده‌اند. از جمله مؤلفه‌های این دکترین عبارت‌اند از:

- ۱- ترکیه باید نقش فعال و متناسب با گذشته پرشکوه و عمق جغرافیایی خود ایفا کند؛
- ۲- برای اجرای آن باید روی قدرت نرم خود سرمایه‌گذاری کند؛
- ۳- نهادهای سیاسی داخلی این کشور می‌توانند الگویی برای کشورهای این منطقه باشند؛
- ۴- اقتصاد آن بازوی قدرتمندی برای پشتیبانی از این روابط است؛
- ۵- باید در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، نقش مهمی را ایفا کرد؛
- ۶- با همکاری اقتصادی، سیاسی و امنیتی با کشورهای منطقه نیاز به مداخله قدرت‌های خارجی را از بین برد؛
- ۷- به جای صرف هزینه‌های گزاف برای پیوستن به اتحادیه اروپا، باید روی کشورهای منطقه سرمایه‌گذاری کند به‌ویژه کشورهایی که زمانی جزو امپراتوری عثمانی بودند. (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۱)

عربستان

عربستان با وجود برخورداری از منابع غنی نفتی و روابط مناسب با قدرت‌های جهانی به‌ویژه آمریکا نتوانسته به روند افزایش قدرت خود ادامه دهد و در حد مشخصی از قدرت باقی‌مانده است. تعارضات ژرف در سیاست خارجی عربستان در سطوح گوناگون منجر به کاهش قدرت آن کشور شده است؛ یکی از تعارضات همیشگی در سیاست خارجی عربستان رابطه با آمریکا از یکسو و وجود گرایش‌های اسلامی، عربی و سلفی از سوی دیگر بوده است. عربستان برای

رسیدن به اهدافش در سیاست خارجی با استفاده از ابزارهای دیپلماسی عمومی مثل حج، حرمین شریفین، مدارس مذهبی، دانشگاه‌ها و رسانه‌های تصویری مانند العربیه و همچنین سازمان‌های اجتماعی و حکومتی مانند «سازمان رابط العالم الاسلامی» و «سازمان بین‌المللی امداد اسلامی» درصدد رسیدن به خواسته‌های خود از جمله ام‌القری بودن - ادعای رهبری جهان اسلام - و گسترش وهابیت است. (کوه‌کن و نزاکتی، ۱۳۹۳: ۲۰۵) همچنین با استفاده از ثروت فراوان خود کشورهای کوچک و ضعیف منطقه را از طریق حمایت‌های اقتصادی زیر چتر خود قرار می‌دهد که این امر همواره پشتیبان دیپلماسی عربستان بوده است.

مالزی

از دلایل توسعه مالزی، سیاست خارجی توسعه‌گرا و مدیریت بحران‌های منطقه‌ای با ابزار قدرت‌های بزرگ است. تا سال ۱۹۸۱ که ماهاتیر محمد نخست‌وزیر مالزی شد تأثیرپذیری این کشور از انگلیس بسیار زیاد بود، ولی دولت ماهاتیر تلاش کرد حرکت‌های مستقلی از خود بروز دهد. او روابط کشورش را با آمریکا، چین و شوروی گسترش داد و به کشورهای غیرمتعهد پیوست. ماهاتیر تلاش کرد تا با بهره‌گیری از سیاست خارجی توسعه‌گرا بازارهای صادراتی مالزی و منابع سرمایه‌گذار مستقیم خارجی در این کشور را تا حد ممکن متنوع سازد. (واعظی، ۱۳۹۳: ۲۶۴) و بنیان مشروعیت خود را بر پیشبرد توسعه اقتصادی قرار می‌دهد. در این دهه‌ها توسعه در کانون سیاست خارجی مالزی قرار گرفت و با پیگیری اصولی چون بی‌طرفی در مناقشات بین‌المللی و همزیستی مسألت‌آمیز تلاش کرد تا زمینه بین‌المللی را برای پیشبرد توسعه فراهم کند. ماهاتیر با همکاری جنوب - جنوب و گسترش مناسبات با طیف وسیعی از کشورهای درحال توسعه از یکسو و تحکیم روابط با دنیای غرب از دیگر سو محیط بین‌المللی مساعدی برای مالزی ایجاد کرد. در همین چهارچوب مالزی ابتکارات مختلفی برای توسعه همکاری‌های اقتصادی و سیاسی با طیف وسیعی از کشورها دست‌یازید تا جایی که در برخی مسائل بین‌المللی نقش رهبری بخشی از کشورهای درحال توسعه را از آن خود کرد. در این دوران مالزی سیاست خارجی مستقلی را پیگیری کرده است که در آن انتقاد از برخی رفتارهای غرب و تداوم همکاری با این مجموعه توأمان وجود داشته است. سیاست خارجی مالزی با توجه به پویایی سیاسی و اقتصادی این کشور به‌عنوان مکمل سیاست و اقتصاد داخلی آن به‌گونه‌ای است که بتواند بیشترین منافع و دستاوردها را برای منافع ملی این کشور به همراه داشته باشد.

در پایان این بحث باید گفت: در نگاه رهبران ایران، انگیزه و هدف غرب نابودی هویت و فرهنگ جهان اسلام است؛ بنابراین، برای به زانو درآوردن غرب چاره‌ای جز مقاومت و پرداخت هزینه‌های آن، برای حفظ هویت دینی و ملی، وجود ندارد. تضاد با آمریکا یکی از چشم‌اندازهای اساسی

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. اگر مهم‌ترین خصلت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در اسلامیت و انقلابی بودن آن بدانیم، ایران اسلامی در سیاست خارجی خود رسالت، تعهد و نقش خاصی قائل است که آن را در چالش با ساختار نظام بین‌الملل قرار می‌دهد. مدل سیاست خارجی ایران که بر پایه اصول وحدت جهان اسلام در برابر آمریکا و اسرائیل، جدا نبودن دین از سیاست، نپذیرفتن الزامات نظام لیبرال-دموکراسی و ظلم‌ستیزی و در نهایت دفاع از مظلومین در برابر ظالم استوار است (تغییر وضع موجود)، بیش از سیاست خارجی سایر کشورها قابلیت غیریت‌سازی و قرار گرفتن مقابل سیاست خارجی تجاوزکارانه و استعمارگرانه غرب و رژیم اشغالگر صهیونیستی را دارد. این در حالی است که سایر کشورها سیاست سازشکارانه و مسالمت‌جویانه و پذیرش وضع موجود در مقابل غرب را در پیش گرفته‌اند تا از این طریق به اهداف اقتصادی خود دست یابند. در این کشورها مقابله و مخالفت با سیاست‌های غرب نه یک راهبرد طولانی‌مدت، بلکه استراتژی کوتاه‌مدت است.

۳-۹- علم و فناوری

فناوری بخش ذاتی تمدن است. «تمدن اسلامی به برکت حرکت علمی که از روز اول در اسلام شروع شد، به وجود آمد.» (بیانات مقام معظم رهبری. ۱۳۸۳/۰۷/۰۵) این سخن رهبری نشان‌دهنده اهمیت وافر علم در ساختن تمدن است. مقالات علمی که در مجله‌های معتبر داخلی و خارجی به چاپ می‌رسد مهم‌ترین پژوهش‌های مولد علم است. یکی از معیارهای پیشرفت علمی کشورها از طریق برخی سازمان‌های بین‌المللی نیز چاپ مقاله در پایگاه‌های اطلاعاتی ISI است. بر اساس مدارک علمی ثبت‌شده در پایگاه‌های استنادی ISI و اسکوپوس تا اول اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۴ سهم جمهوری اسلامی ایران از تولید علم دنیا طی ۱۵ سال گذشته رشد فراوانی داشته است. ایران در حال حاضر ۱,۵ درصد از علم دنیا را تولید می‌کند. این در حالی است که در سال ۲۰۰۰ تنها سیزده صدم درصد از علم دنیا به ایران اختصاص داشت. سهم تولید علم ایران از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ مرتب افزایش یافته است. از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ این رشد از نرخ ثابتی برخوردار بوده و از سال ۲۰۱۴ سهم کشور دوباره افزایش یافته است. رشد رتبه تولید علم کشور در طی سال‌های مورد بررسی نیز درخور توجه است. بر اساس داده‌های پایگاه اسکوپوس، در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ رتبه بین‌المللی تولید علم ایران از ۴۸ به ۱۶ ارتقا پیدا کرده است. بر اساس مدارک نمایه شده در پایگاه ISI، جایگاه ایران از رتبه ۴۹ در اولین سال مورد بررسی به رتبه ۲۱ در آخرین سال مورد بررسی ارتقا یافته است. مقایسه ایران و ترکیه در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ در دو پایگاه استنادی ISI و اسکوپوس نشان می‌دهد که کشور در ابعاد اثرگذاری علمی، دیپلماسی علمی و تولید علم صنعتی برتر از سایر کشورهای مورد بررسی عمل کرده است. ایران در سال ۲۰۰۰ تنها ۰,۱۴ درصد از علم دنیا را تولید می‌کرد. این

رقم در سال ۲۰۱۰ به ۱,۲ درصد از کل کمیت علم دنیا رسید. در فاصله سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ سهم ایران از کل تولید علم دنیا از مرز ۱,۵ درصد عبور کرد. هم‌اکنون در سال ۲۰۱۶ سهم ایران از کل تولید علم دنیا ۱,۹ درصد است. بر اساس داده‌های آماری مؤسسه تامسون رویترز در سال ۲۰۱۴، ۱,۷۷ درصد از نمایه علوم، ۰,۶۷ درصد از نمایه علوم اجتماعی و ۱,۱۷ درصد از نمایه همایش‌های علوم انسانی و هنر در این سال متعلق به ایران بوده است. جدول زیر رتبه کشورها در تولید علم را نشان می‌دهد:

جدول ۶. وضعیت و رتبه کشورها در تولید علم

کشور	اسناد	استناد به خود	استناد به شاخص H	رتبه در خاورمیانه (۲۰۱۵)	رتبه در جهان		
					۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵
ایران	۳۹۷۲۷	۱۴۳۴۱	۶۶۳۲	۱۹۹	۱۸	۱۶	۱۶
ترکیه	۳۹۲۷۵	۱۱۳۸۲	۳۰۲۷	۲۹۶	۱۹	۱۹	۱۸
مالزی	۲۳۴۱۴	۷۶۵۵	۲۸۲۹	۱۹۰	-	۲۳	۲۳
عربستان	۱۷۵۲۹	۱۱۲۱۹	۲۹۰۶	۱۹۵	۳	۳۷	۳۳

www.scimagojr.com

داده‌های جدول نشان می‌دهد از سال ۲۰۱۳ ایران رتبه نخست از نظر تولید علم میان این ۴ کشور را داشته است. ایران از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ دو پله پیشرفت کرده است. ترکیه و عربستان سعودی^۱ هم در طی این ۳ سال با رشد شاخص‌های تولید علم همراه هستند. این در حالی است که مالزی از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ همچنان در رتبه ۲۳ جهان باقی‌مانده است. جمهوری اسلامی ایران هم از نظر کمی (اسناد) هم از بعد کیفی (استنادات) رتبه اول را به خود اختصاص داده است. (www.SCI science.com, 2016)

همچنین، لازم است در این بخش به ضرورت نهضت نرم‌افزاری توجه کرد. نهضت یا جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، در حقیقت جنبشی برخاسته از نگرش نخبگان جامعه برای تولید علم، نظریه‌پردازی و تمدن‌سازی است تا در پرتو آن انسان بتواند به کمال و سعادت دنیا و آخرت نائل شود. در حقیقت هدف از جنبش تولید علم توسعه مرزهای علم و یافتن راهکارهای گوناگون برای برون‌رفت از مشکلات مادی و معنوی انسان و جامعه است. از این رو تولید نظریه‌های

۱. لازم به ذکر است که در آمار این سایت رژیم اشغالگر صهیونیستی رتبه سوم و عربستان سعودی رتبه چهارم در تولید علم در خاورمیانه را به خود اختصاص داده است که با توجه به مشروعیت نداشتن رژیم صهیونیستی در آمار لحاظ نشده است.

کاربرد از اهداف اصلی جنبش تولید علم است. کشوری که داعیه تمدن‌سازی دارد ضمن اینکه از دستاوردهای علمی دیگران استفاده می‌کند خود نیز باید به خلاقیت، نوآوری و تولیدات علمی جدید همت گمارد و راهبرد نهضت علمی را وجهه همت خود در تمامی عرصه‌ها قرار دهد. از این رو مقام معظم رهبری از دهه هفتاد آغازگر گفتمان جدیدی در عرصه علم و فرهنگ کشور بودند که از آن با عناوینی چون جنبش نرم‌افزاری، نهضت تولید علم و آزاداندیشی یاد می‌شود. ایشان معتقدند حرکت عظیم انقلاب اسلامی که منادی نظام‌سازی، دولت‌سازی و تمدن‌سازی با مبانی، اصول و ارزش‌های جدید است که نه با غرب و نه با شرق همخوانی دارد، شایسته است که مقلد نباشد و بتواند در حوزه‌های مختلف و ابعاد گوناگونی که برای اداره یک جامعه و یک کشور به نحو علمی لازم است به نوآوری و نواندیشی بپردازد. از این رو ما باید در علوم انسانی اجتهاد کنیم و نباید مقلد باشیم. امروز بسیاری از اندیشمندان، استمرار حیات تمدن اسلامی را منوط به تحقق جنبش نرم‌افزاری می‌دانند. جنبش نرم‌افزاری حرکتی است همه‌جانبه در راستای تولید اندیشه، علم و فرهنگ که بنیادی‌ترین ضروریات توسعه تمدن نوین اسلامی است. در جمهوری اسلامی ایران، اصلاح علوم انسانی و ارائه علوم انسانی اسلامی به‌عنوان یک دغدغه حکومتی پیگیری می‌شود؛ در حالی که در کشورهای رقیب، چنین دغدغه‌ای وجود ندارد. به همین دلیل، توان ایجاد تمدن اسلامی ندارند و عملاً ذیل علوم انسانی غرب قرار می‌گیرد، زیرا امکان تمدن‌سازی اسلامی بدون مراجعه به مبانی اسلامی و فرهنگ دینی وجود ندارد.

۴- نتیجه‌گیری

ما در این پژوهش ابتدا به گزینش مؤلفه‌های مشترک تمدن‌ساز از میان نظریات مختلف پرداختیم و نه مؤلفه تمدنی را استخراج کردیم که عبارت‌اند از: ۱. ایدئولوژی؛ ۲. عوامل جغرافیایی؛ ۳. عوامل انسانی؛ ۴. عوامل فرهنگی؛ ۵. عوامل سیاسی؛ ۶. عوامل اقتصادی؛ ۷. عوامل نظامی؛ ۸. سیاست خارجی و ۹. علم و فناوری. سپس به بررسی و مقایسه این مؤلفه‌ها میان چهار کشور جمهوری اسلامی ایران، ترکیه، عربستان و مالزی پرداختیم. بررسی و مقایسه مؤلفه‌های نه‌گانه تمدن‌ساز میان این کشورها نشان می‌دهد: از بین کشورهای مورد بررسی در این پژوهش، عربستان به دلیل ایدئولوژی سیاسی ناکارآمد، همراهی نکردن مدل مدنظر حاکمان این کشور با الزامات زندگی عصر جدید، نبود مردم‌سالاری و تفکرات افراطی برخی از رهبران دینی از اثرگذاری لازم برخوردار نیست. همچنین، سرکوب مخالفان از جمله اقلیت‌های شیعی عربستان، برخوردار نبودن مردم از حقوق اولیه‌ای چون آزادی بیان، حقوق بشر و وابستگی آشکار خاندان سعودی به غرب، از دیگر مشکلات ساختاری مدل اسلام‌گرایی عربستان در جهان اسلام است. ضعف نهادهای علمی و فنی در عربستان، وابستگی بیش‌ازحد به آمریکا و آلت بودن غرب در منطقه، تلاش برای سرکوب قیام‌های مردمی به‌ویژه در بحرین بر افول جایگاه عربستان در

جهان اسلام افزوده است. عربستان حتی با وجود صرف بودجه بالای نظامی در این مقوله هم نتوانسته در جهان اسلام سرآمد باشد. عربستان از شاخصه قدرت اقتصادی هم برخوردار نیست و اتکای بیش از اندازه اقتصاد به نفت باعث شد تا کاهش قیمت نفت کسری بودجه و مشکلات اقتصادی فراوانی با خود به همراه داشته باشد. به طوری که اکنون عربستان مجبور به اجرای طرح ریاضت اقتصادی شده است که بار اصلی مشکلات آن بر دوش مردم عربستان است. مجموعه این عوامل احتمال تبدیل عربستان به الگوی تمدنی و محوریت قرار گرفتن در جهان اسلام را به پایین‌ترین حد ممکن می‌رساند.

در مورد مالزی نیز باید گفت که الگو شدن این کشور از اواسط دهه ۹۰ میلادی، به‌ویژه با عنایت به توسعه سریع اقتصادی این کشور و برنامه سنجیده ماهاتیر محمد مطرح شد؛ مالزی به واسطه سرمایه‌گذاری خارجی پیشرفت‌های اقتصادی شایان توجهی داشته است. هزینه پایین زندگی، پیشرفت‌های ظاهری، کاهش شدید فقیر، حرکت از اقتصاد وابسته به مواد اولیه به اقتصاد صنعتی و رشد اقتصادی مداوم از جمله این مواردند. در این زمینه لازم به ذکر است که الگوی پیشرفت مالزی بر اساس مدل کشورهای توسعه‌یافته غربی به انضمام مدل مدیریتی ژاپن و کره جنوبی بود و سپس در صدد تدوین مبانی اسلامی الگوی پیشرفت مالزی برآمدند، اما نبود ماهیت گفتمان‌ساز مالزی، دوری جغرافیایی و زبانی از مهد اسلام در خاورمیانه، نبود اهمیت ژئوپلیتیکی، چندفرهنگی و چندزبانی بودن از موانع تبدیل مالزی به محور تمدنی جهان اسلام است. از بعد جمعیت شناختی مالزی دارای تکثر قومی و مذهبی است، در واقع دو قومیت چینی و هندی در مالزی که عمدتاً غیرمسلمان هستند الگوی تمدنی مالزی را به چالش می‌کشند. همچنین به دلیل اینکه اسلام با تأخیر وارد این کشور شد، مالزی از میراث فرهنگی و تاریخی عمیقی برخوردار نیست که این امر پذیرش مالزی به‌عنوان الگو توسط سایر کشورها از جمله ترکیه و ایران که دارای سابقه فرهنگی - تمدنی غنی اسلامی هستند را با مشکل مواجه می‌سازد. همچنین مطرح‌شدن مالزی به‌عنوان الگوی تمدنی در جهان اسلام بیشتر توسط غرب در تقابل با الگوی تمدنی جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است. طرح الگوی تمدنی مالزی توسط عبدالله بداوی در سال ۲۰۰۴ مطرح شد و هنوز در مراحل مقدماتی قرار دارد.

ترکیه در مقایسه با عربستان و مالزی مؤلفه‌های تمدنی بالاتری برخوردار است. جمعیت زیاد، اهمیت جغرافیایی، ظرفیت‌های علمی و نظامی مناسب، تلاش برای کسب قدرت هسته‌ای، میراث‌داری امپراتوری عثمانی، رشد اقتصادی مناسب از جمله شاخصه‌های مثبت ترکیه است. البته ترکیه در زمینه اقتصادی به مشکل تأمین امنیت انرژی مواجه است. تضمین نکردن ثبات انتقال نفت و گاز به ترکیه آینده اقتصادی آن را با مشکل مواجه خواهد کرد. این امر یکی از

مهم‌ترین نگرانی دولتمردان و سیاست‌گذاران ترک است. این در حالی است که شورش‌ها و کودتاهای اخیر، کاهش ارزش پول ترکیه را به همراه داشته است. ترکیه برای تداوم موفقیت در حوزه سیاست داخلی باید مسئله کردها را حل و فصل کند و شکاف فزاینده میان سکولارها و اسلام‌گرایان در درون جامعه را از بین ببرد و معضلات خود را با همسایگان حل و فصل کند. تحولات کشور سوریه و موضع‌گیری‌های ترکیه در قبال آن نشان می‌دهد که ترکیه نتوانسته در زمینه سیاست خارجی مشکل خود با همسایگان را به صفر برساند. یکی دیگر از موانع دستیابی ترکیه به الگوی تمدنی مدل حکومتی و ساختارهای سیاسی سکولار ترکیه است. از زمان شکل‌گیری جمهوری ترکیه توسط آتاتورک همواره تأکید بسیار زیادی بر سکولار بودن ترکیه و تلاش برای پیوستن به اتحادیه اروپا صورت گرفته است. تنها پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ توجه به کشورهای اسلامی و الگو شدن برای سایرین مورد توجه دولتمردان قرار گرفت. گرچه الگوی اسلامی مدنظر ترکیه، اسلام سکولار، سازش‌کار، منفعت‌طلب و متضاد با آرمان‌گرایی اسلامی است که از قابلیت و عمق کافی برای الگوبرداری توسط سایرین برخوردار نیست. حاکمیت بلامنازع و استبدادی خلفای عثمانی و کنار گذاشتن تدریجی دین به دلیل اصلاحات اقتصادی و اجتماعی برای انطباق با اروپا و بالاخره حاکمیت سرکوبگرانه دولت لائیک آتاتورک، از موانع تاریخی و جدی در راه بسط و گسترش اندیشه دینی اصیل در این کشور بوده‌اند. به همین دلیل، در این کشور متفکران برجسته مذهبی، همانند بسیاری از کشورهای اسلامی مانند ایران، مصر، پاکستان، رشد نکرده‌اند. (نامور حقیقی، ۱۳۷۲: ۳۸)

بنابراین، با عنایت به این موارد، در شرایط فعلی، ایران تنها کشوری که از توان هدایت و رهبری جهان اسلام برخوردار است. انقلاب اسلامی ایران، رسالت خود را تمدن‌سازی دانسته است. تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های تمدنی نه‌گانه نشان داد که گرچه جمهوری اسلامی ایران در برخی شاخصه‌ها از جمله مسائل اقتصادی که بخشی از آن به دلیل تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی است دچار ضعف است، اما در جمع‌بندی نهایی بین این چهار کشور برای تبدیل شدن به محوریت در میدان جهان اسلام و شکل‌دهی به تمدن نوین اسلامی در اولویت قرار دارد. جمهوری اسلامی ایران از معدود کشورها در جهان اسلام است که تقریباً همه مؤلفه‌های تمدنی نه‌گانه مورد بررسی را دارد. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: ایدئولوژی اسلام شیعی، قرار داشتن در منطقه هلال خصیب و دسترسی به مهم‌ترین تنگه‌ها و آبراه‌های جهانی، جمعیت جوان و ۸۰ میلیونی با شاخص توسعه انسانی بالا، تراث فرهنگی ایرانی - اسلامی غنی، مدل حکومتی مبتنی بر اصل ولایت‌فقیه، منابع غنی نفت و گاز و اقتصاد رو به رشد، برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای و ظرفیت‌های نظامی بالا و بومی، سیاست خارجی عدالت محور مبتنی بر اصل نه شرقی و نه غربی، پیشرفت‌های علمی و فناوری. نکته مهم‌تر اینکه، تمدن در ذات خود تمایز و تغایر و قرار گرفتن «من» در مقابل «دیگری» را

به همراه دارد. هیچ‌یک از کشورهای اسلامی به اندازه ایران رویارویی خود با غرب را حداکثری نکرده و معمولاً غرب به صورت موردی نفی می‌شود. در حالی که تقابل ایران و غرب تنها به حوزه سیاسی محدود نمی‌شود، بلکه حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی و غیره را هم در بر می‌گیرد. در واقع سه کشور دیگر وضع موجود را پذیرفته و در قالب آن عمل می‌کنند در حالی که ایران در صدد در هم شکستن ساختارها است؛ از این رو، می‌تواند تمدن‌ساز باشد. در پایان لازم به ذکر است، جمهوری اسلامی ایران در روند تبدیل شدن به الگوی تمدنی با فرصت‌ها و تهدیدهای متعددی مواجه است؛ بنابراین، باید در چهارچوب نظام تدبیر شایسته به شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها و نقاط ضعف و قوت خود در راستای نیل به هدف و شکل‌دهی به تمدن نوین اسلامی پردازد.

کتاب‌نامه

الف- کتاب

۱. شریعتی، علی، ۱۳۶۸، تاریخ تمدن، تهران: قلم، جلد ۲، چاپ سوم.
۲. عظیمی، رقیه‌السادات، ۱۳۸۵، کتاب سبز عربستان سعودی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ دوم.
۳. مطهری، علی، ۱۳۸۸، نقدی بر مارکسیسم، تهران: صدرا، چاپ ششم.
۴. مقصودی، مجتبی؛ تیشه‌یار، ماندانا، ۱۳۸۸، تمدن ایرانی فراسوی مرزها، تهران: تمدن ایرانی، چاپ اول.
۵. نای، جوزف، ۱۳۸۷، قدرت نرم، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
۶. واعظی، محمود و دیگران، ۱۳۹۳، راهبرد سیاست خارجی برای ارتقای جایگاه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در شرایط جدید بین‌المللی، تهران: دفتر مطالعات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، چاپ اول.
۷. یوکیچی، فوکوتساوا، ۱۳۷۹، نظریه تمدن، ترجمه چنگیز پهلوان، تهران: گیو، چاپ دوم.

ب- مقالات

۸. آدمی، علی؛ نوری، مهسا، (۱۳۹۲)، «دیپلماسی فرهنگی ترکیه در آسیای مرکزی: فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۳، ۲۷-۱.
۹. آشنا، حسام‌الدین؛ روحانی، محمدرضا، (۱۳۸۹)، «هویت فرهنگی ایرانیان از رویکردهای نظری تا مؤلفه‌های بنیادی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۴، ۱۵۷-۱۸۴.

۱۰. جمشیدی، محمدحسین؛ گل محمدی، ولی، (۱۳۹۴)، «مدل تصمیم‌گیری شهودی چندوجهی و تحلیل سیاست خارجی ترکیه (مطالعه موردی دولت عدالت و توسعه)»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، شماره ۱۷، ۱۶۸-۱۳۹.
۱۱. جهان‌بین، فرزاد؛ معینی‌پور، مسعود، (۱۳۹۳)، «فرایند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۹، ۴۶-۲۹.
۱۲. حسینی، سیدحسین، (۱۳۹۳)، «روش تحلیل مؤلفه‌های مفهومی تمدن»، فصلنامه حکمت معاصر، سال پنجم، شماره دوم، ۴۵-۲۱.
۱۳. دانش‌نیا، فرهاد و دیگران، (۱۳۹۲)، «هویت تاریخی، نوع‌ثانی‌گرایی و سیاست خارجی ترکیه»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال دوم، شماره ۷، ۶۰-۳۵.
۱۴. شیرزادی، رضا، (۱۳۸۹)، «دولت و توسعه سیاسی در مالزی»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم، شماره ۹، ۱۷۹-۱۵۳.
۱۵. صادقی، سیدشمس‌الدین، (۱۳۹۳)، «انقلاب اسلامی و هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۱، شماره ۳۸، ۴۶-۲۵.
۱۶. صدیق بطحائی اصل، میرابراهیم؛ جوادی ارجمند، محمدجعفر، (۱۳۹۴)، «تفاوت رویکردهای سیاست خارجی ایران و ترکیه در خاورمیانه ۲۰۱۲-۲۰۰۲»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ۲۲، شماره ۲، ۵۶-۳۱.
۱۷. کوهن، علیرضا؛ نزاکتی، فرخنده، (۱۳۹۳)، «دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی عربستان»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۳، شماره ۳، ۲۳۴-۲۰۵.
۱۸. محمدیان، محمد، (۱۳۹۵)، «ناهمخوانی‌ها در سیاست خارجی عربستان: چشم‌انداز جایگاه منطقه‌ای»، فصلنامه سیاسی اقتصادی، شماره ۳۰۳، ۶۴-۵۰.
۱۹. موثقی، سیداحمد؛ نیری، هومن، (۱۳۸۹)، «اسلام میانه‌رو و دموکراسی در ترکیه»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲، ۶۳-۳۳.
۲۰. نوروزی فیروز، رسول؛ خاتمی‌نیا، فضا، (۱۳۹۲)، «گزارش کتاب اسلام تمدنی پلی میان سنت و تجدد»، آینه پژوهش، سال ۲۴، شماره ۲، ۷۶-۶۱.
۲۱. همیانی، مسعود، (۱۳۹۴)، «تغییر در سیاست خارجی عربستان سعودی: از استراتژی موازنه تا رهبری ائتلاف»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۹، شماره ۱، ۷۳-۵۳.

ج- انگلیسی

22. Huntington, Samuel P, (1996), *The Clash of Civilizations and the Remaking of World order*, New York.
23. Kabuye Uthman Sulaiman (2016), *CIVILIZATION: HISTORY, DESCRIPTION, COMMON CHARACTERISTICS AND*, *Journal of Education and Social Sciences*, Vol. 5, (October).

24. OECD Economic Surveys (2016), Malaysia, ECONOMIC ASSESSMENT.
25. Tijani Ahmad Ashimi, (2016), ISLAMIC CIVILIZATION: FACTORS BEHIND ITS GLORY AND DECLINE, International Journal of Business, Economics and Law, Vol. 9, Issue 5 (Apr.).

د- سایتهای اینترنتی

- 26- World Population Review. com
- 27- <https://www.bp.com>
- 28- <http://www.undp.org>
- 29- <http://www.worldbank.org>
- 30- <https://www.globalfirepower.com>.
- 31- <https://www.sciencechannel.com>.
- 32- <http://countrymeters.info/>